

# جنگی که انسان و محیط‌زیست را نشانه گرفت

گزارش «پیام ما» از پیامدهای انسانی و محیط‌زیستی جنگی که آثار آن تا نسل‌ها باقی خواهد ماند

# روزنامه پیام

سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۴۰۴ | شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ | قیمت ۱۰ هزار تومان

www.payamema.ir

«شهر بیدار»  
از پروژه پژوهشی  
تا جنجال سیاسی

«پیام ما» از نشست «گردشگری در سایه جنگ» گزارش می‌دهد

# گردشگری اسیر زیاده‌خواهان است



## فرسایش منابع فرسایش معیشت

هم‌زمان با تشدید بحران آب، فرسایش خاک و افزایش هزینه‌های تولید، کارشناسان کشاورزی حفاظتی را تنها مسیر حفظ امنیت غذایی و پایداری معیشت کشاورزان می‌دانند.

۵

## سقوط به سیاه‌چاله جمعیتی

سالمندی جامعه و رشد منفی مولید سناریوهای جمعیتی آینده ایران اند

۲

دیدگاه

## زمین که حرف می‌زند باید گوش داد

۱

یادداشت

## درباره بی‌توجهی به رویدادها و مکان رویدادها

اسیدمحمود چاوشی

امرمتگرا



۴

دیدگاه

## زمین که حرف می‌زند باید گوش داد

پیام ما ۱ شامگاه ۲۲ اردیبهشت، تهران هشت بار لرزید. هشت زلزله در کمتر از هفت ساعت که اوجش به ۴.۶ ریشتر رسید. هم‌زمان طوفان ۵۵ کیلومتری شهر را درگیر کرده بود، برق برخی محله‌ها قطع شده بود و شایعات در فضای مجازی تندتر از باد می‌دویدند. کارشناسان زمین‌شناسی بلافاصله ارتباط طوفان و زلزله را رد کردند و منشأ تکنونیکي رخداد را تأیید کردند. اما آنچه نباید در غوغای این شب فراموش شود، نه شایعه است و نه طوفان؛ بلکه پیام خاموشی است که زمین یک‌بار دیگر فرستاد.

این بار خوشبختانه تلفات جانی گزارش نشد. اما این «خوشبختی» اگر ما را به آرامش کاذب برساند، گران‌ترین اشتباهی است که می‌توانیم مرتکب شویم.

کانون این لرزه در یکی از حساس‌ترین نقاط زمین‌شناختی کشور قرار دارد؛ جایی که گسل شمال تهران و گسل مشا به هم نزدیک می‌شوند و پهنه‌ای پر تنش در شرق پایتخت ایجاد کرده‌اند. روستای ایرا و اطراف آن که محل ثبت این زلزله‌ها بوده، دقیقاً در زون فعال البرز مرکزی واقع است. در شعاع سی‌کیلومتری این کانون، حدود ۲۵۰ هزار نفر زندگی می‌کنند، در پردیس، بومهن، رودهن و لواسانات. بخش قابل توجهی از این جمعیت در واحدهای مسکونی بدون اسکلت مقاوم به سر می‌برند. بناهایی که در برابر لرزه‌های بزرگ‌تر تاب‌آوری لازم را ندارند.

علی بیت‌اللهی، کارشناس لرزه‌شناسی، یادآوری می‌کند که شرق تهران در نازده سال گذشته بیش از ۸۰۰ زمین‌لرزه کوچک و متوسط را ثبت کرده است. این منطقه عملاً در وضعیت لرزه‌خیز دائمی به سر می‌برد و آنچه شب ۲۲ اردیبهشت رخ داد، یک استثنا نبود، بخشی از یک الگوی مستمر بود. مهدی زارع لرزه‌شناس و عضو شاخه زمین‌شناسی فرهنگستان علوم نیز از زاویه دیگری نگران است: پدیده «اثر ساختگاهی» در دشت‌های اطراف تهران باعث می‌شود لرزش‌ها با شدتی بیشتر از آنچه در عمق زمین رخ داده به سطح منتقل شوند. به زبان ساده‌تر، آسیب واقعی می‌تواند بسیار فراتر از آن چیزی باشد که عدد ریشتر نشان می‌دهد.

اما مسئله‌ای که این یادداشت را ضروری می‌کند، نه فیزیک زلزله، بلکه منطق تصمیم‌گیری ماست. تهران سال‌هاست روی یکی از فعال‌ترین شبکه‌های گسلی کشور رشد کرده است. نه یک‌بار که بارها کارشناسان از انباشت تنش در گسل‌های اصلی هشدار داده‌اند. با این همه، انبوه‌سازی در حریم گسل‌ها ادامه دارد، بافت‌های فرسوده روستایی همچنان بدون مقاوم‌سازی باقی‌مانده‌اند و آموزش همگانی جدی درباره رفتار درست هنگام زلزله، هنوز به اولویت تبدیل نشده است. هر بار که زلزله‌ای بدون تلفات می‌گذرد، نفسی از سرآسودگی می‌کشیم و تا لرزش بعدی فراموش می‌کنیم. این چرخه فراموشی، خطرناک‌ترین بخش ماجراست.

آنچه اکنون نیاز است نه فقط ثبت آمار لرزه‌نگار، بلکه تبدیل این هشدار به اقدام است. بازنگری فوری طرح‌های توسعه شهری در شرق تهران و توقف انبوه‌سازی در حریم گسل‌ها، تسریع مقاوم‌سازی بافت‌های فرسوده و روستایی و تقویت سیستم‌های هشدار سریع لرزای اینها نه آرزو، بلکه الزامات حکمرانی مسئولانه در شهری است که روی گسل نشست. زمین در شرق تهران نه خاموش است و نه قابل پیش‌بینی مطلق. آنچه هزارچندگاه با لرزش‌های زنجیرهای سکوتش را می‌شکند، صدای تخلیه تدریجی انرژی است. انرژی‌ای که اگر مدیریت نشود، نه در زمین که در سیاست‌گذاری، روزی با شدتی خواهد آمد که دیگر جای «خوشبختانه» در جمله‌ها باقی نخواهد ماند.

# هم‌خانه با صاحب‌خانه

## خشکسالی و دروغ

زندگی کرده‌اند، با آن سازگار شده‌اند و حتی برایش دانش و فناوری ساخته‌اند. به این حال آنچه این روزها بیشتر جلب توجه می‌کند نه خود خشکسالی، بلکه روایت‌هایی است که پیرامون آن ساخته می‌شود. هم‌زمان با بارش‌هایی که پس از مدتی خشکی رخ داد، روایتی در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد: اینکه این باران‌ها نتیجه اختلال در رادارهای آمریکا در منطقه است. به زبان ساده‌تر، گفته می‌شد تا پیش از این، این رادارها مانع بارش می‌شدند و حالا که آسیب دیده‌اند، این رادارها نتوانسته‌اند مانع بارش شوند. رادار هواشناسی اساساً ابزار مشاهده و تشخیص است، نه ابزار کنترل آب‌وهوا. سازمان هواشناسی کشور در توضیح چنین ادعاهایی می‌گوید رادارها تنها برای پایش ایرها و بارش به کار می‌روند. اگر قرار باشد در رفتار ایرها مداخله‌ای صورت گیرد، آن هم در مقیاسی محدود، معمولاً از روش‌هایی مانند بارورسازی ایرها استفاده می‌شود؛ روشی که اثر آن محدود و وابسته به شرایط خاص جوی است. به گفته او، برای آنکه بتوان در مقیاس وسیع ایرها را جابه‌جا یا پرکنند، به منابع عظیم انرژی نیاز است؛ انرژی‌ای بسیار فراتر از توان مصرفی رادارها. اما مسئله اصلی شاید اصلاً این نباشد که این روایت تا چه

اسارا شرفی

روزنامه‌نگارا



در ترجمه‌ای مشهور از یکی از سنگ‌نبشته‌های داریوش بزرگ در تخت جمشید آمده است: «هورامزدا این کشور را بپاید از سپاه دشمن، از خشکسالی و از دروغ.»

به این کشور نیاید، نه سپاه دشمن، نه خشکسالی و نه دروغ.» و ازای که در متن باستانی آمده «بدسالی» است؛ اما برخی آن را «خشکسالی» نیز تعبیر کرده‌اند، تفسیری که با اقلیم ایران چندان بیگانه نیست. سرزمینی که از هزاران سال پیش با کم‌آبی زندگی کرده و برای آن راه‌حل‌هایی یافته است.

ایران اصولاً سرزمین پربارانی نبوده است. تاریخ این جغرافیا سرشار از تلاش برای سازگاری با کم‌آبی است. قنات‌ها که آب را از دل زمین به سطح می‌رساندند، شاهکار مهندسی بومی برای مهار همین کم‌آبی بودند. آب‌انبارها، تقسیم دقیق حقایقه‌ها، و نظمی که پیرامون آب شکل گرفته بود، همه نشانه‌های جامعه‌ای است که می‌دانست باران همیشه مهمان وفاداری نیست. خشکسالی در این سرزمین پدیداری تازه نیست؛ ایرانیان قرن‌هاست با آن

اندازه از نظر علمی نادرست است. پرسش مهم‌تر این است که چرا چنین روایت‌هایی به سرعت شنیده می‌شوند، باور می‌شوند و تکرار می‌شوند. چرا در مواجهه با یک پدیده طبیعی مانند باران، توضیحی مبتنی بر توطئه برای بسیاری قانع‌کننده‌تر از توضیح علمی به نظر می‌رسد؟ پاسخ را شاید باید در حال‌وهوای جامعه جست‌وجو کرد. جامعه‌ای که سال‌هاست با بحران‌های پی‌درپی زندگی می‌کند؛ از فشارهای اقتصادی تا تنش‌های سیاسی و اکنون سایه جنگ در منطقه. در چنین فضایی، ذهن‌ها خسته‌اند و میل دارند برای هر اتفاقی یک توضیح ساده و سریع پیدا کنند. شایعه دقیقاً همین کار را می‌کند؛ جهان پیچیده را ساده می‌کند، یک عامل مشخص معرفی می‌کند و این احساس را می‌دهد که ماجرا فهمیده شده است.

در مقابل، علم معمولاً پاسخ‌های محتاطانه می‌دهد. از احتمال‌ها حرف می‌زند، از پیچیدگی سامانه‌های طبیعی واز محدودیت دانش انسانی. در روزگاری که افکار عمومی زیر ضامن تغذیه چاک‌ها و زمین‌های زراعی، گامی برای جبران خشکسالی‌های شرق کشور برداشته شود.

بر این اساس طبق آخرین اخبار، با بهره‌گیری از دیپلماسی محلی و گفت‌وگوهای محلی و نگاه جدید با افغان‌ها، افق روشنی برای

می‌شود. در چنین فضایی، هر کانال ناشناس با هر تحلیل شتاب‌زده‌ای می‌تواند برای مدتی جای خالی منبع معتبر را پر کند. شایعه در این خلأ رشد می‌کند؛ نه فقط به دلیل جذابیتش، بلکه به این دلیل که چیزی را جایگزین می‌کند که جامعه به آن نیاز دارد؛ اعتماد.

ما سال‌هاست در میدان جنگ روایت‌ها زندگی می‌کنیم؛ جایی که هر خبر این ظرفیت را دارد که ابزار فشار، امید، ترس یا تسلی باشد. در این میدان، مخاطب نه سرباز است و نه فرمانده؛ بیشتر شبیه کسی است که وسط میدان مین، دنبال مسیری امن می‌گردد. شاید به همین دلیل است که مرز میان تحلیل، شایعه و عملیات روانی هر روز کم‌رنگ‌تر می‌شود و هر روایت تازه‌ای، پیش از آنکه سنجیده شود، دست‌به‌دست می‌چرخد.

شاید اگر داریوش امروز هم برای این سرزمین دعا می‌کرد، واژه‌های دعایش چندان تفاوتی نداشت. دشمن، بدسالی و دروغ؛ سه زخمی که انگار قرن‌هاست در تاریخ و روایت این سرزمین تکرار می‌شوند. اولی هر بار با چهره‌ای تازه بازمی‌گردد، دومی هنوز واقعیت سخت اقلیم ایران است، و سومی حالا در هیاهوی شبکه‌ها و روایت‌ها، بیش از هر زمان دیگری در فضای عمومی تکثیر می‌شود. فاصله ما با سنگ‌نبشته‌های هخامنشی، بیشتر در زمان است تا در نگارنی‌ها هنوز هم حقیقت، گاهی زیر آوار روایت.

ایجاد توافق‌نامه‌های رسمی و تعیین حقایقه قسمت‌های پایین‌دستی است، برای این مهم، باید هیئت‌های مشترک برای نظارت بر اجرای توافق‌نامه تشکیل شود. اما طی سال‌های گذشته بعضاً مواردی از نقض معاهده میان ایران و افغانستان و حقایقه ایران مانند نحوه تقسیم منابع آبی «هریرود»، جلوگیری از جریان اقلیمی طبیعی یا تاریخی رودخانه‌ها از طریق اقداماتی مانند سدسازی، نقض آشکار کشور هم‌جواری یعنی ایران برای داشتن محیط‌زیست سالم مشاهده شد. ایران برای مقابله با بهره‌برداری یک‌جانبه همسایگان از منابع آبی مشترک، اقداماتی مانند مذاکره، امضای قرارداد دوجانبه، با فشاری بر اصول حقوق بین‌الملل در مراجع بین‌المللی و پایش کیفیت آب در مناطق مرزی را انجام داده است.

بر این اساس طبق آخرین اخبار، با بهره‌گیری از دیپلماسی محلی و گفت‌وگوهای محلی و نگاه جدید با افغان‌ها، افق روشنی برای ایران وجود دارد. این تحول، به پایان خشکسالی در شرق کشور منجر شود. همچنین سخن‌گویی صنعت آب به‌تازگی از بیهودگی نسبی جریان آب به شرق کشور خبر داد، اما تأکید کرده که میزان آب ورودی از رودخانه‌های هیرمند و هریرود هنوز کافی نیست و چانه‌نیمه‌های سیستان فقط ۲۴ درصد برسد. به گفته «عبسی بزرگ‌زاده» در پی تماس‌ها و ریزنی‌های وزارت نیرو و وزارت امور خارجه با کشورهای همسایه، بخشی از منابع آبی مورد نیاز دریافت شده است. این تماس‌ها نسبتاً نتیجه‌بخش بوده و جریان‌هایی از منابع آب به سمت کشور وارد شده است. با این حال، وی تأکید کرد که این منابع هنوز با شرایط مطلوب فاصله دارد؛ چه در حوضه رودخانه هریرود و چه در رودخانه هیرمند. بزرگ‌زاده تصریح کرده که آب دریافتی برای تأمین نیازهای مناطق پایین‌دست، از جمله حوضه مشهد و همچنین منطقه سیستان، مورد استفاده قرار می‌گیرد و در حال حاضر میزان پیش‌بینی چانه‌نیمه حدود ۲۴ درصد است. ایستا

ایجاد توافق‌نامه‌های رسمی و تعیین حقایقه قسمت‌های پایین‌دستی است، برای این مهم، باید هیئت‌های مشترک برای نظارت بر اجرای توافق‌نامه تشکیل شود.

اما طی سال‌های گذشته بعضاً مواردی از نقض معاهده میان ایران و افغانستان و حقایقه ایران مانند نحوه تقسیم منابع آبی «هریرود»، جلوگیری از جریان اقلیمی طبیعی یا تاریخی رودخانه‌ها از طریق اقداماتی مانند سدسازی، نقض آشکار کشور هم‌جواری یعنی ایران برای داشتن محیط‌زیست سالم مشاهده شد.

ایران برای مقابله با بهره‌برداری یک‌جانبه همسایگان از منابع آبی مشترک، اقداماتی مانند مذاکره، امضای قرارداد دوجانبه، با فشاری بر اصول حقوق بین‌الملل در مراجع بین‌المللی و پایش کیفیت آب در مناطق مرزی را انجام داده است.

بر این اساس طبق آخرین اخبار، با بهره‌گیری از دیپلماسی محلی و گفت‌وگوهای محلی و نگاه جدید با افغان‌ها، افق روشنی برای ایران وجود دارد. این تحول، به پایان خشکسالی در شرق کشور منجر شود. همچنین سخن‌گویی صنعت آب به‌تازگی از بیهودگی نسبی جریان آب به شرق کشور خبر داد، اما تأکید کرده که میزان آب ورودی از رودخانه‌های هیرمند و هریرود هنوز کافی نیست و چانه‌نیمه‌های سیستان فقط ۲۴ درصد برسد. به گفته «عبسی بزرگ‌زاده» در پی تماس‌ها و ریزنی‌های وزارت نیرو و وزارت امور خارجه با کشورهای همسایه، بخشی از منابع آبی مورد نیاز دریافت شده است. این تماس‌ها نسبتاً نتیجه‌بخش بوده و جریان‌هایی از منابع آب به سمت کشور وارد شده است. با این حال، وی تأکید کرد که این منابع هنوز با شرایط مطلوب فاصله دارد؛ چه در حوضه رودخانه هریرود و چه در رودخانه هیرمند. بزرگ‌زاده تصریح کرده که آب دریافتی برای تأمین نیازهای مناطق پایین‌دست، از جمله حوضه مشهد و همچنین منطقه سیستان، مورد استفاده قرار می‌گیرد و در حال حاضر میزان پیش‌بینی چانه‌نیمه حدود ۲۴ درصد است. ایستا

## تحلیل

### حقابه هیرمند در تراز تنش و همکاری

حوضه‌های آبی فرامرزی به‌عنوان شریان‌های حیاتی با قابلیت تبدیل شدن به‌ا‌هرم ژئوپلیتیکی قدرتمند، کانون تنش‌های نوظهور یا بستر همکاری حیاتی میان کشورهای هم‌جوار مرزهای سیاسی را دربر می‌گیرد. تنش و سرنوشت ملت‌ها را به هم گره‌زده‌اند و امروز حوضه‌های آبریزی مانند هیرمند و هامون، شاهدی بر این ادعا هستند که چگونه مدیریت نامتوازن یا سیاست‌های یک‌جانبه کشورهای می‌تواند میلیون‌ها نفر را تحت‌تأثیر قرار دهد. آب منبع حیاتی برای حفظ بقا، آشامیدن، کشاورزی و تضمین دهنده امنیت غذایی، امنیت انرژی و به‌صورت کلی امنیت انسانی و ملی معنا می‌شود و بزرگ‌ترین چالش‌های بی‌آبی، در خشکسالی، سیل، جانش‌های محیط‌زیستی و تغییرات اقلیمی خود را نشان می‌دهد. شاید یکی از موضوعاتی که طی سال‌های گذشته در میان همکاری‌های مشترک میان ایران و افغانستان پررنگ بوده، رودخانه‌های «هیرمند» و «هامون» است؛ با این حال، تجربه نشان داده است که این گونه همکاری‌ها غالباً با موانع و چالش‌های جدی روبرو بوده‌اند. در بسیاری موارد، عدم پایداری برخی همسایگان به تهدیدات خود، از جمله برداشت‌های بی‌رویه از سرشاخه‌های رودخانه‌هایی که با ایران وارد می‌شوند یا عدم اجرای کامل مفاد معاهدات، به تشدید بحران کمبود آب در ایران دامن زده است.



**گزارش «پیام ما» از پیامدهای انسانی و محیط‌زیستی جنگی که آثار آن تا نسل‌ها باقی خواهد ماند**

## جنگی که انسان و محیط‌زیست را نشانه گرفت



خلیج فارس

ا پیام ما | غیرنظامیان در نتیجه جنگ ایالات متحده و اسرائیل با ایران متحمل هزینه‌های ویرانگر بهداشتی و محیط زیستی شده‌اند؛ از جابه‌جایی گسترده جمعیت و آلودگی هوا و آب گرفته تا خطرات بلندمدت برای سلامت نسل‌های آینده.

در ۷ آوریل ۲۰۲۶، در اقدامی که احتمالاً می‌توان آن را تهدیدی به نوسیل دانست، رئیس‌جمهور دونالد ترامپ در شبکه اجتماعی خود نوشت که اگر ایران به توافق نرسد یا تنگه هرمز را باز نکند، «یک تمدن کامل خواهد مرده». جنگ ایالات متحده و اسرائیل در ایران ممکن است در بخش بزرگی از آمریکا به‌عنوان جنگی انتخابی و بی‌پروا به یاد آورده شود که هزینه‌های عظیمی بر آمریکایی‌ها تحمیل کرد. اما غیرنظامیان در منطقه، این جنگ را با از دست‌دادن جان بی‌گناهان ویا آنچه برسر‌زمینی که زیرپایشان است، هوایی که ناچار به تنفس آن هستند و آبی که برای بقا به آن وابسته‌اند آمد، به‌خاطر خواهند سپرد.

به گزارش «پیام ما»، «مرکز پیشرفت آمریکایی» اندیشکده‌ای که در واشنگتن‌دی‌سی فعالیت دارد و معمولاً تحلیل‌ها و مقالاتی در حوزه‌های سیاست عمومی، سیاست خارجی، اقتصاد، اقلیم و مسائل اجتماعی تهیه می‌کند، به‌تازگی مطلبی درباره جنگ ایران و آمریکا منتشر کرده است. این گزارش بخشی از این تحلیل است.

اهداف آمریکا و اسرائیل از این جنگ همچنان نامشخص است و اظهارات رئیس‌جمهور ترامپ مجموعه‌ای از توجیهات متغیر را نشان می‌دهد که هر روز تغییر می‌کنند از برچیدن جمهوری اسلامی و آزادسازی مردم ایران گرفته تا نابودی توانایی‌های هسته‌ای ادعایی. بااین‌حال، نتیجه یکسان است: ویرانی گسترده‌ای که بر جمعیت و محیط‌زیستی وارد شده که پیش‌تر نیز از دهه‌ها رنج آسیب‌دیده بود. اقدام تلافی‌جویانه ایران نیز تنها بر شدت خسارات افزوده است. افکار عمومی در ایالات متحده عمدتاً بر اثرات این جنگ بر اقتصاد و وضعیت مالی خانوارها در داخل کشور متمرکز بوده است، اما پیامدهای بسیار شدیدتر آن برای جمعیت غیرنظامی در سراسر منطقه نباید نادیده گرفته شود. این جنگ از چندین جهت غیرقانونی و مغایر قانون اساسی است: ایالات متحده و اسرائیل در محاسبه اثرات زنجیره‌ای اقدامات خود بر غیرنظامیان ناکام مانده‌اند، درحالی‌که حملات به زیرساخت‌ها نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی محسوب می‌شود و باید به‌عنوان «مجازات جمعی» در نظر گرفته شود.

نا توانی در تمایز میان نظامیان و غیرنظامیان پیامدهای جدی دارد: بیش از ۱۷۰۰۰ غیرنظامی و حدود ۱۵۰ کودک کشته شده‌اند از جمله در نتیجه یک حمله نظامی آمریکا به یک مدرسه ابتدایی دخترانه. بااین‌حال، شمار واقعی قربانیان غیرنظامی به‌احتمال زیاد بیشتر است؛ زیرا تخریب

بیمارستان‌ها، قطع اینترنت در ایران و محدودیت‌ها مستندسازی نظام‌مند تلفات را تقریباً غیرممکن کرده است. در کنار خشونت مستقیم، حملات به تأسیسات نفتی، زیرساخت‌های آب و مراکز صنعتی به محیط‌زیستی که جوامع به آن وابسته‌اند آسیب زده است. غیرنظامیان به‌ویژه کودکان، سالمندان، افراد دارای بیماری‌های مزمن، فقرا و آوارگان بیشترین سهم رنج را متحمل می‌شوند. این آسیب‌ها در طول زمان تشدید می‌شوند؛ زیرا تخریب محیط‌زیست به کمبود منابع تبدیل می‌شود، کمبود منابع ناآرامی ایجاد می‌کند و در نهایت زمینه را برای خشونت و ویرانی دوباره فراهم می‌کند. حتی پس از پایان جنگ نیز، به دلیل خطر تماس با مواد سمی، بیماری‌های درمان‌نشده، گرسنگی، کم‌آبی و آسیب‌های شدید روانی، پیامدهای انسانی ادامه خواهد داشت. این جنگ رنج جمعیتی را که از پیش نیز در معرض تخریب گسترده محیط‌زیستی بوده‌اند تشدید می‌کند و پیامدهای فوری آن به‌ویژه بدتر شدن وضعیت سلامت و کمبود آب پیش از آشکارشدن ابعاد کامل فاجعه، نیازمند کمک‌های انسانی و پاسخگویی است.

#### ۴ جنگ و افزایش فشارهای محیط زیستی

مدت‌ها پیش از حمله در چارچوب عملیات «خشم حماسی» دولت ترامپ، ایران و خاورمیانه با خشکسالی شدید و پنج‌ساله‌ای مواجه بودند که ناشی از تغییر اقلیم و تشدیدشده توسط فشارهای اجتماعی - اقتصادی بر منابع آب بود. میزان بارندگی به طور چشمگیری کاهش یافته و زمین‌های خشک و ترک‌خورده تبدیل شده‌اند. در هر یک رقم زد به طوری که محازن آب تهران تنها به ۱۲ درصد ظرفیت خود رسیده بودند.

ذوب برف در رشته‌کوه‌های البرز و زاگرس که قرن‌ها رودخانه‌های ایران را تغذیه کرده و سفره‌های آب زیرزمینی را تجدید می‌کرد، با افزایش دما به طور بیوسته در حال کاهش است. در سال ۲۰۲۳، یک موج گرما موجب تعطیلی سراسری دورهزه در کشور شد. سهمیه‌بندی آب در شهرهای بزرگ به امری معمول تبدیل شده است. تالاب‌هایی که زمانی معیشت جوامع ماهیگیر محلی را تأمین می‌کردند، اکنون به زمین‌های خشک و ترک‌خورده تبدیل شده‌اند. در بخش‌هایی از تهران نیز به دلیل برداشت بیش از حد آب‌های زیرزمینی، سطح زمین سالانه بیش از ۱۰ اینچ فرومی‌نشیند.

#### ۴ آزادشدن سم‌ها با بمباران

وقتی تأسیسات نفتی، کارخانه‌های شیمیایی و انبارهای تسلیحاتی بمباران می‌شوند، باقی‌مانده‌های سمی در خاک انباشته شده، وارد مسیرهای آبی می‌شوند و از مرزها عبور می‌کنند.

برروی این بحث پرت‌فشار جنگ در حال ایجاد آسیب‌های جدید و تشدیدکننده است. بیش از ۳۰۰ مورد از آسیب‌های

انسانی عظیم مشاهده شده است.

ساکنان بلافاصله مشکلاتی مانند دشواری در تنفس، سوزش چشم، گلودرد، میگرن، سرگیجه و مشکلات قلبی گزارش کردند، اما بار بلندمدت آن نیز به همان اندازه پنهان و خطرناک است. قرارگرفتن طولانی‌مدت در معرض ترکیبات معلق در هوای تهران، نفوذکننده به خاک و واردشونده به منابع آب، با DNA تعامل می‌کند و با افزایش خطر سکنه، سرطان‌های ریه و دیگر انواع سرطان، فشارخون بالا و افت شناختی مرتبط است. مطالعات متعدد رابطه میان قرارگرفتن در معرض دوده‌های سمی و افزایش بروز سرطان را تأیید کرده‌اند، اما به دلیل دوره‌های نهفتگی طولانی، این پیامدها ممکن است تا سال‌ها یا حتی دهه‌ها در آمارهای سلامت به طور کامل آشکار نشوند.

زنان باردار و کودکان خردسال از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها هستند؛ قرارگرفتن در معرض سموم در دوران جنینی می‌تواند موجب زایمان زودرس، وزن پایین نوزاد و اختلال در رشد ریه‌ها شود. جمعیت غیرنظامی که این بار سمی نامتناسب را تحمل می‌کنند، بر اساس حقوق بین‌المللی «افراد تحت حمایت» محسوب می‌شوند و شدت و تداوم، قابل‌پیش‌بینی این آسیب‌ها با اصول تفکیک و تناسب در حقوق جنگی قابل‌جمع نیست، به‌ویژه باتوجه‌به اهداف نظامی‌ای که هرگز به طور شفاف تعریف نشده‌اند.

#### ۴ کمبود دسترسی به خدمات درمانی، بحران‌های انسانی را تشدید می‌کند

نظام سلامت ایران پیش از آغاز درگیری نیز تحت‌تأثیر سه فشار هم‌زمان دچار ضعف ساختاری شده بود. نخستین مورد تحریم‌ها و فرسایش نظام دارویی است. سال‌ها تحریم‌های ایالات متحده منابع پزشکی را به‌شدت تضعیف کرده بود. هرچند داروها به طور رسمی از تحریم‌ها مستثنا هستند، اما ترس از تحریم‌های ثانویه واردات مواد اولیه و دارو را دشوار کرد. این وضعیت باعث افزایش ۵۰ درصدی قیمت دارو شد و حدود ۶ میلیون بیمار ایرانی مبتلا به بیماری‌های مزمن یا نیازمند جراحی‌های اورژانسی را تحت‌تأثیر قرار داد.

دومین مورد بحران سیاسی است. در ژانویه ۲۰۲۶، نظام سلامت ایران پیش از آغاز جنگ نیز دچار فرسایش شده بود. بین اواخر دسامبر ۲۰۲۵ تا اواخر ژانویه ۲۰۲۶، پس از کاهش ارزش دلار و تورم بی‌سابقه، اعتراضات در ایران گسترش یافت. چند هزار نفر در به خشونت کشیده‌شدن اعتراضات کشته شدند. ابعاد این فاجعه نظام سلامت و کارکنان آن را که تنها چند هفته بعد به‌شدت تحت‌فشار قرار داد. سوم مسئله تخریب مستقیم زیرساخت‌های درمانی در جنگ است. بر اساس گزارش جمعیت هلال‌احمر ایران، از ۳ آوریل ۲۰۲۶، تعداد ۳۷ مرکز درمانی، پزشکی و اورژانسی آسیب‌دیده‌اند. در روز دوم حملات، یک کلینیک لقاح ممنوعی در بمباران‌های «گاندی» هدف قرار گرفت و به‌شدت تخریب شد؛ در این حادثه «ستم یک کارآمدن درمانی به‌شدت سختی

شد و خانواده‌هایی که نمونه‌ها و جنین‌های خود را در آن مرکز داشتند، دچار خسارت و اندوه شدید شدند. در سراسر منطقه، زنان باردار مجبور شده‌اند در شرایط ناپیم، بدون خدمات ضروری و گاهی بدون برق زایمان کنند. در صبح اول آوریل ۲۰۲۶، شرکت تحقیقاتی و مهندسی «توفیق دارو»، بزرگ‌ترین شرکت ایران در حوزه مواد اولیه دارویی، با دو پهباد هدف قرار گرفت. چنین حملاتی به زیرساخت‌های سلامت، نه تنها دسترسی کوتاه‌مدت به درمان را مختل می‌کند، بلکه ممکن است ارائه خدمات حیاتی را برای سال‌ها محدود کند.

#### ۴ بحران روانی در کنار بحران جسمی

آسیب جسمی یا یک بحران روانی گسترده همراه شده است. بمباران‌های هوایی غیرنظامیان را در معرض عوامل استرس‌زای شدید قرار داده‌اند؛ از جمله خشونت، از دست‌دادن اعضای خانواده و آوارگی اجباری. این شرایط از عوامل خطر برای اختلال استرس حاد، اختلال استرس پس از سانحه، افسردگی و اختلالات جسمانی‌سازی هستند. قطع گسترده اینترنت که از ۸ ژانویه ۲۰۲۶ اعمال شده و تا زمان انتشار این گزارش همچنان ادامه دارد این فشار روانی را تشدید کرده و جامعه‌ای را که از پیش تحت‌فشار شدید بوده، از شبکه‌های خانوادگی، اطلاعات و حمایت اجتماعی محروم کرده است. نویسندگان تأکید می‌کنند که هیچ‌یک از این پیامدها فرقی‌بال پیش‌بینی نبوده است. ترکیب یک نظام سلامت تضعیف‌شده توسط تحریم‌ها، تالطم‌های سیاسی و سپس بمباران نظامی، به طور

## روزنامه ۳

اجتناب‌ناپذیر همین نتایج را ایجاد می‌کند. نا توانی در درک این اثرات زنجیره‌ای، صرفاً یک خطای محاسباتی نیست، بلکه نقض حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود.

#### ۴ کمبود آب به محرک درگیری، خشونت و بی‌ثباتی تبدیل می‌شود

مقام‌های ایرانی ایالات متحده را متهم کرده‌اند که یک تأسیسات آب‌شیرین‌کن در جزیره قشم را هدف قرار داده است؛ اقدامی که ممکن است دسترسی آب بیش از ۳۰ هزار روستا را مختل کرده باشد. در همین حال، گزارش‌هایی حاکی از آن است که بقایای ناشی از رهگیری موشک‌های ایرانی، به مجتمع برق و آب «فجیره F۱» در امارات متحده عربی و ایستگاه «دوحه وست» در کویت در اوایل جنگ آسیب احتمالی وارد کرده است.

سامانه‌های آب در این جنگ، شکننده‌ترین و درعین‌حال از نظر سیاسی مهم‌ترین حوزه‌ها هستند، زیرا می‌توانند تخریب محیط‌زیست را به خشونت‌های طولانی‌مدت تبدیل کنند.

در سراسر منطقه خلیج فارس، جمعیت غیرنظامی به‌شدت به تأسیسات بزرگ آب‌شیرین‌کن برای تبدیل آب دریا به آب آشامیدنی وابسته است. برای مثال، قطر حدود ۹۹ درصد آب شرب خود را از طریق آب‌شیرین‌کن‌ها تأمین می‌کند. اختلال در این تأسیسات پیامدهای فوری انسانی دارد، زیرا سیستم‌های آب، انرژی و غذا به‌شدت به هم وابسته‌اند.

آسیب به زیرساخت‌های آب‌شیرین‌کن باعث برداشت بیش از حد از منابع آب زیرزمینی می‌شود که پیش‌تر نیز تحت‌فشار بوده‌اند. همچنین آلودگی ناشی از حملات به تأسیسات صنعتی یا نظامی می‌تواند ترکیبات نفتی و فلزات سنگین را وارد سیستم‌های آبیاری و زنجیره غذایی کند و نامنی غذایی را تشدید کند. بزنامه جهانی غذا برآورد می‌کند که در صورت ادامه جنگ، ۴۵ میلیون نفر با گرسنگی حاد مواجه خواهند شد.

کمبود آب به نوبه خود، سایر عوامل بی‌ثباتی را تشدید می‌کند؛ از جمله بیکاری، نوسان قیمت غذا، ضعف حکمرانی و جابه‌جایی جمعیت. برآوردها نشان می‌دهد که تنش آبی تاکنون به جابه‌جایی حدود ۱۶ میلیون نفر در ایران منجر شده و هم‌زمان اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی تکرارشونده را تغذیه کرده است.

#### ۴ ابعاد جنسیتی نامنی

چرخه‌های خشکسالی گذشته در ایران نشان داده‌اند که کمبود آب به طور نامتناسی زنان و دختران را تحت‌فشار قرار می‌دهد؛ زیرا دسترسی به آب آشامیدنی، بهداشت و امکانات بهداشتی را تضعیف کرده و خطر خشونت مبتدی بر جنسیت را افزایش می‌دهد. در مناطق روستایی کم‌آب ایران مانند سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی، بحران طولانی‌مدت آب به ترک تحصیل دختران، ازدواج کودکان و بی‌توجهی به سلامت و بهداشت زنان منجر شده است.

درعین‌حال، جنگ ظرفیت دولت و حکمرانی محیط‌زیستی را تضعیف می‌کند و جامعه مدنی را در زمانی که بیشترین نیاز به تخصص محلی وجود دارد، به حاشیه می‌راند. ازاین‌رو آسیب‌های محیط زیستی باید به‌عنوان یک مسئله فوری در حفاظت از غیرنظامیان و در نظر گرفته شود. رابطه مرکزی در بازسازی پس از جنگ در نظر گرفته شود. میان تخریب محیط‌زیست و بی‌ثباتی دوطرفه است: جنگ محیط‌زیست را نابود می‌کند و محیط‌زیست تخریب‌شده نیز با ایجاد کمبود منابع، آوارگی و ناراضیاتی اجتماعی، خود به تولید درگیری‌های بیشتر کمک می‌کند. بنابراین، برنامه‌ریزی بلندمدت توسط بازیگران بین‌المللی باید در احیای محیط‌زیست و پایش سلامت برای بیماری‌های مزمن، آب‌و‌خاک متمرکز باشد؛ به‌ویژه سرمایه‌گذاری در یک نظام مدیریت آب مقاوم‌تر تا از تبدیل بحران آب به یک فاجعه جلوتری‌شود.

بازسازی و پاسخگویی ر نامی‌توان تا رسیدن به یک توافق سیاسی دوردست به تعویق انداخت. این جنگ تاکنون جان هزاران غیرنظامی را گرفته و میراث محیط‌زیستی آن، جان میلیون‌ها نفر دیگر را نیز تهدید می‌کند. نهادهای بین‌المللی مسئول حمایت از بازسازی پس از درگیری و کمک‌های انسانی پس از بحران‌های طبیعی باید تمرکز روشنی بر حفاظت از انسان‌ها و همچنین هوا، آب و اکوسیستم‌هایی داشته باشند که زندگی آن‌ها به آن وابسته است. روشن‌ترین مسیر برای خروج از چرخه بحران دائمی و حرکت به‌سوی آینده‌ای سالم، نه ویرانی، بلکه تاب‌آوری اقلیمی است.

### خزارش

**جنگ ایران ممکن است با تقویت «غول‌های نفتی»، دستاوردهای اقلیمی را تضعیف کند**

## عقب‌گرد از انرژی‌های تجدیدپذیر

در همین حال، شرکت پالایشگاهی «Valero Energy» سود فصلی ۱.۲ میلیارد دلاری اعلام کرد که بالاتر از پیش‌بینی‌ها بود. عملکرد «Liberty Energy» که توسط «کرپس رایت»، وزیر انرژی دولت ترامپ، تأسیس و قبلاً اداره می‌شد، درآمد فصلی ۱۰ میلیون دلار ثبت کرد که ۳۲ درصد افزایش نسبت به پیش از جنگ داشت. همچنین شرکت «BP» اعلام کرد عملکردی «استثنایی» داشته و سود آن در سه‌ماهه اول سال بیش از دوبرابر شده است؛ «Shell» نیز روز پنج‌شنبه اعلام کرد سودهایش در سه‌ماهه نخست فراتر از انتظار بوده است.

در مقابل، شرکت‌های بزرگ نفتی «Chevron» و «ExxonMobil» در سه‌ماهه اول سال ۲۰۲۶ کاهش سود گزارش کردند. بااین‌حال، تحلیلگران می‌گویند این روند به‌زودی تغییر خواهد کرد. برآوردهای اجماعی نشان می‌دهد سود سه‌ماهه دوم ExxonMobil نسبت به سال قبل بیش از دوبرابر خواهد شد و سود Chevron نیز انتظار می‌رود ۵۶ درصد افزایش یابد.

درحالی‌که شرکت‌های نفتی میلیارد‌ها دلار سود کسب می‌کنند، مردم آمریکا با افزایش قیمت سوخت مواجه هستند. روز چهارشنبه، میانگین قیمت بنزین در آمریکا به ۴.۵۲ دلار

«فشار افزایشی بر قیمت گاز در آمریکا وارد کرده است.»

کستن گفت: «اگر شما تولیدکننده نفت در آمریکا باشید، الان بسیار خوشحال هستید، و اگر مصرف‌کننده باشید، اصلاً خوشحال نیستید.» او در ماه مارس بسته‌ای قانون‌گذاری معرفی کرد که هدف آن کاهش هزینه انرژی از طریق اولویت‌دادن به انرژی‌های تجدیدپذیر ارزان و نوسازی شبکه برق است. او افزود: «در آمریکا مصرف‌کنندگان نفت بسیار بیشتر از تولیدکنندگان آن هستند، و به نظر می‌رسد کاخ سفید این اکثریت قاطع را نادیده می‌گیرد.»

به گفته میچل، جهش قیمت سوخت می‌تواند به «تقویت عظیم تلاش‌های سیاسی صنعت نفت» منجر شود. این سوده‌ای بادآورده در حالی به‌دست‌آمده که این بخش موفق به کسب پیروزی‌های سیاستی مهمی شده است.

این نگرانی‌ای است که اقتصاددانان «دانشگاه ماساچوست» مانند «زبایل ویر» و «رگروو سمینیوک»، نیز پس از شوک بزرگ انرژی ناشی از حمله روسیه به اوکراین مطرح کرده بودند. سمینیوک گفت: «جریان نقدی افزایش می‌یابد، بنابراین پول بیشتری برای گردش وجود دارد، از جمله برای لابی‌گری.» او افزود: «در آمریکا همچنین این روایت وجود دارد که این کشور خوش‌شانس است که در حال حاضر منابع فسیلی داخلی دارد که می‌تواند در زمان کمبود عرضه نقش ضربه‌گیر را بازی کند؛ بنابراین آن‌ها از این توانایی برای

#### رابطه میان

#### تخریب محیط‌زیست

#### وبی‌ثباتی دوطرفه است

#### جنگ محیط‌زیست

#### زنا نابود می‌کند

#### و محیط‌زیست تخریب‌شده

#### با ایجاد کمبود منابع

#### آوارگی

#### و ناراضیاتی اجتماعی

#### به تولید درگیری‌های

#### بیشتر کمک می‌کند

#### سامانه‌های آب

#### در جنگ

#### شکننده‌ترین

#### و درعین حال

#### از نظر سیاسی مهم‌ترین

#### حوزه‌ها هستند

#### زیرا می‌توانند

#### تخریب محیط‌زیست

#### رأبه خشونت‌های

#### طولانی‌مدت تبدیل‌کند

این روند، صنعت سوخت‌های فسیلی را به‌عنوان یک نیروی سیاسی قدرتمند تقویت می‌کند.»

ویر نیز گفت که روندهای متضادی نیز در جریان بوده است. انرژی‌های تجدیدپذیر از نظر اقتصادی حتی از سال ۲۰۲۲ رقابتی‌تر شده‌اند و در ماه مارس، ایالات متحده برای نخستین‌بار در طول یک ماه کامل، برق بیشتری از منابع تجدیدپذیر نسبت به گاز تولید کرد. در همین حال، قیمت بالای بنزین محبوبیت ترامپ را کاهش داده و ممکن است راه را برای روی کار آمدن یک رئیس‌جمهور طرف‌دار محیط‌زیست در سال ۲۰۲۹ هموار کند.

او گفت: «ممکن است دقیقاً همان روندهایی را که در شوک قبلی دیدیم، این بار ببینیم. اما آیا این یک تقویت بزرگ برای صنعت نفت است؟ البته، کاملاً.» اگر ادین





ایران ا

**در نشست «گردشگری در سایه جنگ» مطرح شد**

# گردشگری اسیر زیاده‌خواهان است

**ا پیام ما ۱** **عصر روزی که در آن معاون گردشگری کشور از واردآمدن بالغ بر ۶۰۰ میلیارد تومان خسارت به تأسیسات گردشگری و ۲۸،۵ همت، خسارت عدم‌النتف به بخش‌های مختلف گردشگری گفت، فعالان و پیش‌کسوتان گردشگری در دبیرخانه «ایکوم ایران»، دور هم جمع شدند و از زخم‌هایی گفتند بسیار عمیق‌تر و قدیمی‌تر از زخم جنگ. هر چند عنوان جلسه‌ای که با همت «خانه اندیشمندان» و ایکوم ایران برگزار شد «گردشگری در سایه جنگ» بود؛ اما سخنان کسانی که دهه‌هاست در بخش‌های مختلف گردشگری فعالیت دارند، حکایت از این داشت که گردشگری ایران تنها قربانی جنگ نیست، بلکه از بحرانی مزمن و عمیق‌تر از بحران جنگ رنج می‌برد و آن فقدان مدیریت دغدغه‌مند و تخصصی نبود باور به ارزشگری گردشگری در اقتصاد و فرهنگ، در میان متولیان دولتی این بخش است. به باور آثار بحران گردشگری ایران نه به آسمان ناامن که به زمین سیاست‌گذاری‌های اشتباه بر می‌گردد.**

در شرایطی که گفتمان غالب دولتی سعی دارد تا توپ تمام بحران‌های گردشگری را به زمین جنگ بیندازد، فعالان این حوزه معتقدند بحرانی که امروز گردشگری ایران با آن درگیر است، ریشه در تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌های اشتباه سال‌های گذشته دارد. آنها معتقدند این ساختار حتی پیش از جنگ هم با آسیب‌های مزمن «رانت»، «فساد» و «حکمرانی غلط» دست‌وپنجه نرم می‌کرد. جنگ عامل بروز این بحران نبوده؛ بلکه فقط آن را تشدید کرده است.

**۱ لزوم پرداخت کمک‌های بلاعوض به شاغلان گردشگری**
محمدحسین یزدانی، رئیس «انجمن صنفی راهنمایان گردشگری استان تهران» در ابتدای نشست با مرور دلایل ریسک‌پذیری گردشگری و اینکه این صنعت، تجربه را به مخاطب می‌فروشد، بر این نکته تأکید کرد که: «در اصول بازاریابی یکی از بخش‌های تولید، ذخیره‌سازی است. از خصوصیات مهم گردشگری این است که قدرت ذخیره‌سازی ندارد. چون تجربه مبتنی بر زمان است و زمان را نمی‌شود ذخیره یا متوقف کرد. همین خصوصیت، این صنعت را بسیار پریسکی می‌کند. مسئله دیگر این است که گردشگری یک صنعت انسان‌محور است. ۹۹ درصد کار گردشگری را نیروی انسانی انجام می‌دهد. حال تصور کنید صنعتی با این میزان حساسیت در جنگ چگونه حالی خواهد داشت؟ او با اشاره به اینکه در شرایط جنگی جنبه انسانی به‌سختی قابل‌کنترل و بازیابی است و درخین‌حال جنبه فیزیکی مثل صنعت حمل‌ونقل هم درگیر محدودیت‌های شرایط جنگی می‌شود گفت: «در این میان راهنمایان گردشگری یک بخش کوچکی از کل صنعت گردشگری هستند. راهنمایان هم از محدودیت‌های فضای فیزیکی لطمه می‌خورند، یعنی اگر دفتر مسافرتی یا حمل‌ونقل تعطیل شود، شغل راهنمایان تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد و هم از فضای غیرفیزیکی، یعنی اگر مردم حال خوبی نداشته باشند و به سفر نروند، باز هم راهنمایان دچار آسیب می‌شوند.» به

**یادداشت**

آمارهای مبهمی هستیم که نه مبنای دقیقی دارند و نه با مشاهدات فعالان این صنعت مطابق‌اند.

یزدانی در خصوص اینکه آیا می‌توان به کمک‌ها و حمایت دولت دل بست، گفت: «با پیگیری‌هایی که فعالان این حوزه در بخش خصوصی و صنفی انجام دادند، حمایت‌هایی از شاغلان بخش گردشگری شد. از جمله اینکه وامی را در نظر گرفته‌اند برای فعالان گردشگری. اما من به معاون گردشگری هم گفتم که در شرایط رکود کاری، وقتی افق گردشگری در ایران نامشخص است، پرداخت این وام نتیجه‌ای جز بدهکارتیز کردن شاغلان این بخش نخواهد داشت. در کشور ما هزاران میلیارد تومان هزینه می‌شود که جنگ رسانه‌ای علیه دشمن صورت گیرد. به‌طورقطع این امکان وجود دارد که بخشی از این مبلغ به‌عنوان کمک بلاعوض به آسیب‌دیدگان بخش گردشگری تعلق گیرد. دولت باید به موضوع کمک‌های بلاعوض به‌طورجدی فکر کند تا بتوانیم از این مسیر و از این بحران عبور کنیم.»

**۲ ما دو جنگ داریم؛ یکی با دشمن، یکی با دولت**
محور سخنان «حرمت‌الله رفیعی» رئیس «انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرتی» در این نشست، نقد به فساد رسوب‌کرده در بخش‌های مختلف گردشگری بود. او سخنانش را با تأکید بر اینکه هیچ‌کس در ایران گردشگری را باور ندارد و تا زمانی که این اعتقاد و باور به وجود نیاید، اتفاقی برای گردشگری نخواهد افتاد، گفت: «امروز ما اوج خرابی صنعت گردشگری را می‌بینیم. لطمه به صنعت گردشگری از زمان کرونا شروع نشد؛ من معتقدم از زمانی شروع شد که مدیرانلابق درگردشگری داشتیم و تا زمانی که این مدیران بر مسند باشند همین رویه ادامه خواهد داشت. تا زمانی که اهالی گردشگری دست روی زانوهایشان نگذارند و بلند نشوند، وضعیت تغییر نخواهد کرد.»

او با انتقاد به آمارهای باورناپذیر در مورد بخش گردشگری به‌ویژه در شرایط جنگی، به نکته‌ای اشاره کرد که قابل‌تأمل است: «انجمن ایرلاین‌ها اعلام می‌کند روزانه ۳۰ همت عدم‌النتف داشته‌اند. یعنی اگر تقسیم کنید این ۱۰-۱۵ ایرلاینی فعال در کشور، روزانه ۷۰-۸۰ میلیارد تومان سود داشتند. این سودها کجاست؟ بخش گردشگری این‌قدر سود دارد؛ من سال‌هاست می‌گویم که گردشگری اسیر دست زیاده‌خواهان است.»

باور یزدانی گردشگری ایران بعد از کرونا روی خوش ندید و راهنمایان گردشگری از همان زمان دیگر فعالیت جدی نداشتند؛ «ضرب اشتغال راهنمایان گردشگری در شرایط ای‌پیتال ۷۵ روز در سال است. اتفاقاتی که در سال‌های اخیر افتاده، به‌ویژه دو جنگ سال گذشته، باعث شده که در سال ۱۴۰۴ این ضریب به کمتر از ۳۰ روز برسد. این یک زیان انباشته فقط در سال گذشته است. حالا هم که در یک سیزن سال برای گردشگری ایران قرار داریم، و راهنمایان بعد از تمام آسیب‌هایی که متحمل شدند، امید داشتند به نوروز و بعد هم فصل بهار می‌بینیم که وضعیت به چه شکل است.»

یزدانی با تأکید بر اینکه راهنمایان گردشگری در ایران علاوه بر این زیان انباشته و مشکلات مربوط به تورم و معیشت، میزان قابل‌توجهی قرض و بدهی دارند و به لحاظ مالی به‌شدت آسیب‌دیده و درعین‌حال بازار کار نامشخصی دارند، گفت: «گاهی جای تعجب دارد که چطور مدیران و سیاست‌گذاران به این مسائل فکر نکرده بودند.

چطور هنگام تصمیم‌گیری به تبعات تصمیماتشان فکر نکرده بودند؟» او با اشاره به اینکه بین سفر رفتن و گردشگری تفاوت وجود دارد، به انتقاد از نظام آمارگیری و آمارهای رسمی اعلام شده در این حوزه گفت: «آقایانی که در مسند دولتی هستند، تنها منبع آمارهایشان ترددشمارهای جاده‌ای است. به این معنا که می‌گویند دو میلیون خودرواز جلوی این دوربین عبور کرده، به طور متوسط سه نفر هم سرنشین دارد، در نتیجه ۶ میلیون نفر به سفر رفته‌اند. بر همین مبنا اعلام می‌کنند که ۲۷ میلیون مسافر نوروزی داشتیم یا اعلام می‌کنند که گردشگری ورودی رشد ۴ درصدی داشته است.» سال‌هاست که به نظام آمارگیری و اعلام آمارهای عجیب در گردشگری نقد جدی وارد است، اما حتی بعد از جنگ هم که آسیب‌ها می‌توانست به شکلی دقیق رصد شود و دست‌کم آمارهای دقیق‌تری از سوی وزارت گردشگری اعلام شود، باز هم شاهد اعلام

«می‌گویند به دفاتر خدمات مسافرتی تسهیلات می‌دهیم. آژانسی که کمتر از ۳ ماه است مجوز گرفته مشمول این تسهیلات شده و دو میلیارد وام می‌گیرد؛ اما همین تسهیلات به آژانسی‌های با قدمت ۴۰-۵۰ سال، حتی آژانسی‌های ۵ساله، تعلق نمی‌گیرد. این یعنی رانت، یعنی فساد. ما دو جنگ داریم؛ یک جنگ که با دشمن و یک جنگ با دولت.» او در مورد رویکرد بخش خصوصی گردشگری و مطالبه حقوق این بخش تأکید کرد: «با ما نداریم تحت هیچ شرایطی کاسه چه کنم؟ دست بگیریم، ما صاحبان این صنعتیم. ما هستیم که اگر جنگ، سایه‌اش از سرکشور کم شود، باز قرار است این بخش را احیا کنیم. تا زمانی که دولت گردشگری را به بخش خصوصی تحویل ندهد، وضع همین است.» رفیعی در پایان سخنانش با بیان اینکه «گردشگری ما در جنگ با قبل از جنگ تفاوتی نکرده است.» تأکید کرد گردشگری در اقتصاد ایران هنوز نقش اثرگذاری پیدا نکرده است، ببینید همسایگان ما چطور از این فرصت در اقتصاد بهره می‌برند و ما چطور؟

**۳ گردشگری در شاخص‌های کلان اقتصادی ایران جایگاهی ندارد**

«محمد جهانشاهی» دبیر «کمیته ملی طبیعت‌گردی»، به‌عنوان نماینده بخش دولتی در این نشست به وضعیت گردشگری داخلی در شرایط جنگی پرداخت و در سخنانش به فرصت‌هایی که استان‌ها می‌توانند در این حوزه خلق کنند هم اشاره کرد. او با اشاره به اینکه «از دهه پنجاه تا سال ۹۷، هر ده سال یک بحران برای گردشگری ایران پیش آمد و بعد از آن، فاصله این بحران‌ها بسیار کوتاه شد.» گردشگری را به شیشه شکننده‌ای که به امنیت متصل است تشبیه کرد. او معتقد است اگر گردشگری چارچوب سیاست درستی داشته باشد، خیلی زود احیا می‌شود؛ «در ترکیه چون گردشگری به معیشت و اقتصاد متصل است، هر اتفاقی که بیفتد، حاکمیت مجبور است اوضاع را مدیریت کند. تا وضعیت به حالت قبل برگردد. ترکیه در چشم‌انداز بیست‌ساله‌ای که تا سال ۲۰۲۳ تسیم کرده بود، می‌خواست جزو پنج کشور اول دنیا در گردشگری باشد و شد. با اینکه در سال‌های آخر تورم سنگینی را تجربه کرد و مشکلات مالی زیادی داشت. ازآنجاکه نظام و چارچوب سیاستی مشخصی دارد، به اهدافی مثل ۶ میلیون گردشگر رسیده و اهداف آینده هم برایش قابل‌تحقق است. اما در ایران اندازه گردشگری در نقطه شایسته‌ای نیست. این بخش در نظام و شاخص‌های کلان اقتصادی جای درست و دقیقی ندارد.» او درباره تبعات جنگ بر گردشگری به تجربه تلخی که در نوروز ۱۴۰۵ در بندرعباس داشت اشاره کرد و گفت: «هتل‌های بندرعباس در جنگ، تخت و میلمان و همه وسایل را جمع کرده برده بودند داخل انبار یک نگهبان هر سه چهار روز یک‌بار به هتل سر می‌زد. چون آن روزها فضا هنوز ناامن بود و جنگ در جریان. یکی از غم‌انگیزترین تصاویری که من در زندگی‌ام در حوزه گردشگری دیدم، همین تصویر هتل‌های خالی در بندرعباس بود.»

جهانشاهی در ادامه گفت: «اگر نشستهایم که وزارتخانه به‌تتهایی کاری کند. امکان ندارد. اگر هم کسی در وزارتخانه می‌گوید ما می‌توانیم کاری انجام دهیم، من اولین کسی هستم که به این ادعا نقد دارم. تا وقتی حاکمیت، گردشگری را جدی نگیرد، این شرایط تداوم دارد. همه شرایط را می‌دانیم؛ دولت با کسری مواجه است. به شرایطی که پیش‌آمده کسری بیبشتار شده و منابع کمتری تزریق می‌شود. یکی از اقدامات برای کاهش بحران در این شرایط این است که بخش‌هایی که اهرم قدرت دارند مثل بیمه و مالیات و بانک‌ها، این فشار را کم کنند. هرچند آنها هم دلایل خودشان را دارند و کسری دارند و یک چرخ بسیار پیچیده است.» او با بیان اینکه استان‌ها هم می‌توانند در این شرایط به‌نوعی در احیای گردشگری خود با استفاده از منابع استانی تأثیرگذار باشند به نمونه موفق در استان کرمان اشاره کرد که فعالان بخش خصوصی گردشگری با سرمایه شرکت‌های بزرگ استان و اتاق بازرگانی تورهای گردشگری تعریف کرده‌اند تا با کمک منابع استانی، این بخش را از بحران نجات دهند.

**۴ اگر همدیگر را درنیابیم، گردشگری آینده روشنی ندارد**
سخنان «سید احمد محیط طباطبایی» رئیس اختخاری

مثل مدرسه فیضیه بر اثر تخریب یا حادثه از بین برود، بانکیه‌بر چه مستنداتی می‌توانیم آن را بازسازی کنیم؟ این پرسش زمانی حساس‌تر می‌شود که بدانیم بخشی از تزیینات و عناصر کالبدی، در طول زمان توسط مالکان یا متولیان اماکن مقدس تغییریافته و با فرم‌های جدید جایگزین شده است؛ این تغییرات اگرچه گاه با نیت بهبودی یا بازسازی صورت می‌گیرد، اما اگر با رویکرد حفاظت از اصالت همراه نباشد، منجر به ازبین‌رفتن لایه‌های تاریخی و ابهام در هویت اصلی اثر می‌شود. علاوه بر این، یک خلأ بزرگ دیگر در پرونده‌های ثبتی مشاهده می‌شود و آن نبود تاریخ شفاهی و پیوند میان مکان و انسان است. در مستندات فعلی، توجیه زیادی به لایه‌های اجتماعی و انسانی آثار نشده است؛ برای نمونه، در پرونده ثبت «بازار قم»، تنها به راسته اصلی و کالبد بازار اشاره شده و هیچ توجیه به ماهیت مشاغل اولیه و جریان‌های اقتصادی هر قسمت نشده است. این

مطل درسه فیضیه بر اثر تخریب یا حادثه از بین برود، بانکیه‌بر چه مستنداتی می‌توانیم آن را بازسازی کنیم؟ این پرسش زمانی حساس‌تر می‌شود که بدانیم بخشی از تزیینات و عناصر کالبدی، در طول زمان توسط مالکان یا متولیان اماکن مقدس تغییریافته و با فرم‌های جدید جایگزین شده است؛ این تغییرات اگرچه گاه با نیت بهبودی یا بازسازی صورت می‌گیرد، اما اگر با رویکرد حفاظت از اصالت همراه نباشد، منجر به ازبین‌رفتن لایه‌های تاریخی و ابهام در هویت اصلی اثر می‌شود. علاوه بر این، یک خلأ بزرگ دیگر در پرونده‌های ثبتی مشاهده می‌شود و آن نبود تاریخ شفاهی و پیوند میان مکان و انسان است. در مستندات فعلی، توجیه زیادی به لایه‌های اجتماعی و انسانی آثار نشده است؛ برای نمونه، در پرونده ثبت «بازار قم»، تنها به راسته اصلی و کالبد بازار اشاره شده و هیچ توجیه به ماهیت مشاغل اولیه و جریان‌های اقتصادی هر قسمت نشده است. این

**۵ ضرورت مستندنگاری**

البته در کنار این موضوعات، نباید اهمیت توجه به کالبد بنا فراموش شود؛ بسیاری از بناهایی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده‌اند، تنها از داده‌های محدودی نظیر نقشه‌های معماری اولیه، عکس‌های نمای کلی و شرح مختصری از ویژگی‌های کالبدی برخوردارند؛ و حتی در مورد برخی از آن‌ها، برتسیم نقشه عرصه و حریم نیز تنها در سال‌های اخیر تهیه شده است. با تجارت‌توجه قری که در زمان جنگ تحمیلی برپایم با وجود آمد این سؤال مطرح می‌شود که اگر بخشی از تزیینات یا سازه یک بنا

ایکوم ایران در این نشست متکی بر نقش‌آفرینی مردم و بخش غیردولتی در گردشگری بود. او با مرور تاریخچه گردشگری و تأکید بر اینکه این صنعت در جهان، خود زاییده جنگ است، بر این نکته تأکید کرد که بعد از جنگ‌های جهانی اول و دوم، جهان به این نتیجه رسید که برای برقراری صلح، ملت‌ها باید به شناخت از یکدیگر برسند. همین لزوم شناخت در کنار شکل‌گیری نهادهایی مثل «سازمان ملل»، «یونسکو» و ایکوم، منجر به شکل‌گیری صنعت گردشگری در جهان هم شد: «گردشگری در ابتدا برای شناخت و درک متقابل ملت‌ها، به وجود آمد نه برای درآمد و شغل.» هر چند حالا این صنعت در دنیا یکی از ارکان اصلی اقتصاد کشورها را تشکیل داده است و به همین دلیل سیاست‌گذاری کلان در این حوزه برای کشورها از اهمیت بالایی برخوردار است. درعین‌حال به باور محیط طباطبایی: «گندم صنعت گردشگری، شناخت و صلح است و کاو آن درآمد و شغل. قطعاً اگر گندم باشد، کاه هم داریم؛ اما کسی برای کاه گندم نمی‌کارد. مسئله در کشور ما این است که از ابتدا این صنعت را معکوس دیدیم. به همین دلیل است که این بخش در ایران هیچ‌وقت به نتیجه نمی‌رسد. نه برنامه ملی منسجمی برای این بخش وجود دارد، نه اقدام مؤثری انجام می‌شود.» او به جمله‌ای از «خواجه نظام‌الملک» که سیاست‌نامه اشاره کرد: «مملکتی که تاجرش حکومت‌کند و دولتش تجارت؛ نه دولت دارد و نه تجارت. چرا مردم همه چیز را از دولت می‌خواهند؟ دولت‌ها همیشه مثل درجه‌حرارت ملت‌ها هستند. اگر درجه‌حرارت بدن شما چهل است، بدن شما تب دارد؛ مشکل از حرارت‌سنج نیست.» به باور او نقش و جایگاه مردم، بخش خصوصی و دولت‌ها در گردشگری روشن و مشخص نیست و همین مسئله باعث بروز شرایط فعلی شده است: «هتل مسافر خود را از دولت می‌خواهد درحالی‌که ایران در دهه چهل تا پنجاه که سازمان گردشگری با سازمان ملی حفاظت کار می‌کرد، مجموعه هتل‌های جهانگردی که دوستاره بودند برای گردشگری فرهنگی ایجاد شد – نه مثل حالا که چهارستاره در یک شهر کوچک می‌سازند که سوسپید دولتی بگیرند – این هتل‌های جهانگردی در سراسر کشور برنامه‌هایی است همیشه. اگر همدیگر را درنیابیم، گردشگری آینده به باور محیط طباطبایی گردشگری باید مبتنی بر بخش غیردولتی و مردم باشد. او به نکته مهم دیگری هم اشاره می‌کند که با راهکارهای خلاقانه و بدون چشمداشت مالی در شرایط فعلی می‌توان اقداماتی در بخش گردشگری انجام داد که بعد از گذر از شرایط جنگی بتوان بهره آن را برداشت کرد، او تأکید کرد: «گردشگری امری است که در شرایط بحرانی و جنگ به‌عنوان صنعت متوقف می‌شود، اما دپدار و با هم بودن و حمایت و با هم زیستن امری است همیشه. اگر همدیگر را درنیابیم، گردشگری آینده روشنی ندارد. اما اگر این همدلی وجود داشته باشد، قطعاً رونق اقتصادی بعد از گذر از شرایط جنگی نصیبش می‌شود، چون هر گندمی کاهی دارد و گندم گردشگری است و همدلی و کاه آن درآمد و اشتغال.»

در پایان این نشست «ابوالقاسم ساسان» پیش‌کسوت و راهنمای گردشگری خاطراتی از روزهای رونق گردشگری ایران برای حاضران نقل کرد. او به اظهارات سخنرانانی که معتقد بودند دوران طلایی گردشگری ایران بعد از امضای برجام بود، اشاره و تأکید کرد: «آمار گردشگری را باید از تولیدیگر بگیریم. من می‌گویم از سال ۷۰ تا ۸۵ دوران طلایی گردشگری ایران بود و بیشترین رقم ورود گردشگری خارجی به ایران را داشتیم. آن روزها من در آژانس، هنوز گزارش تور قبلی را نداده بودم که پرونده تور جدید را به من می‌دادند. توری اورولپ بودند. هنوز تور قبلی را راهی نکرده بودیم که برگردند که کوشربان، باید تور بعدی را تحویل می‌گرفتم.» او در میان سخنان و خاطراتش به کمبودها و ضعف‌های گردشگری که بعد از گذشت دوده همچنان باقی‌بمانده هم اشاره ظریفی کرد. می‌توان گفت مطرح شد. ازاین‌رو، ضروری است که در کنار توجه به مفهوم «مکان رویداد»، به شکاف‌های موجود در مستندنگاری کالبدی و اجتماعی» نیز توجه ویژه شود تا از بروز خسارات جبران‌ناپذیر و پشیمانی‌های تاریخی در آینده جلوگیری شود.

فقدان اطلاعات، زمانی به یک بحران تبدیل می‌شود که نسل کاسیان قدیمی و محافظان سنتی این فضاها، در حال بازنشسته شدن یا ازدست‌رفتن هستند و با آن‌ها، فرصت گفت‌وگو و استخراج تاریخ زنده از بین می‌رود.

همین وضعیت در مورد بافت‌های تاریخی نیز حاکم است؛ جایی که با گذشت زمان، فرصت شنیدن روایت‌های تاریخی از زبان ساکنان قدیمی و اصیل، هر روز محدودتر و در معرض خطر ازدست‌رفتن قرار دارد. علاوه بر این، مشاهده می‌شود که بسیاری از فرایندهای مستندنگاری، به دلیل محدودیت‌های بودجه‌ای، به آینده موکول می‌شوند؛ امری که احتمالاً در کوتاه‌مدت نیز محقق نخواهد شد. ازاین‌رو، ضروری است که در کنار توجه به مفهوم «مکان رویداد»، به شکاف‌های موجود در مستندنگاری کالبدی و اجتماعی» نیز توجه ویژه شود تا از بروز خسارات جبران‌ناپذیر و پشیمانی‌های تاریخی در آینده جلوگیری شود.



ایران ا

# فرسایش منابع؛ فرسایش معیشت



-تاریخچه

**کشاورزی ایران امروز هم‌زمان با چند بحران درگیر است؛ کمبود آب، فرسایش خاک، افت حاصلخیزی، افزایش هزینه‌های تولید، تغییرات اقلیمی و تهدید امنیت غذایی.** در چنین شرایطی، دیگر نمی‌توان صرفاً با افزایش مصرف آب، کود و سم یا توسعه سطح زیر کشت، آینده بخش کشاورزی را تضمین کرد. بسیاری از کارشناسان معتقدند ادامه الگوی فعلی بهره‌برداری، نه‌تنها منابع پایه تولید را تضعیف می‌کند، بلکه در بلندمدت معیشت کشاورزان و توان کشور برای تأمین غذا را نیز با تهدید جدی روبه‌رو خواهد کرد. در این میان، کشاورزی حفاظتی بیش از آنکه یک روش فنی یا توصیه دانشگاهی باشد، به عنوان یک ضرورت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مطرح شده است.



ا شبنم مسعودی ا

روزنامه نگار ا

**کشاورزی حفاظتی؛ فراتر از کاهش شخم**

کشاورزی حفاظتی بر پایه این ایده شکل گرفته که تولید غذا نباید به قیمت تخریب منابع طبیعی انجام شود. در این الگو تلاش می‌شود میان تولید اقتصادی، حفظ منابع پایه و پایداری محیط‌زیستی تعادل برقرار شود. برخلاف کشاورزی مرسوم که بر شخم عمیق، مصرف گسترده نهاده‌ها و فشار حداکثری بر زمین استوار است، کشاورزی حفاظتی می‌کوشد ظرفیت طبیعی خاک، آب و اکوسیستم حفظ شود تا تولید در بلندمدت پایداری خود را از دست ندهد. بر اساس تعریف فائو، کشاورزی حفاظتی نظامی است که با حفظ منابع کشاورزی، به دنبال افزایش و پایداری تولید همراه با حفاظت از محیط‌زیست است.

این الگو سه اصل اساسی دارد؛ حداقل دست‌کاری خاک، پوشش دائمی سطح زمین و تناوب متنوع کشت. در کشاورزی حفاظتی، بقایای گیاهی پس از برداشت در مزرعه باقی می‌ماند تا خاک در برابر فرسایش حفظ شود و رطوبت بیشتری در زمین باقی بماند. شخم به حداقل می‌رسد تا

### ا خزارش |

# نبرد پنهان آب و خاک

**نگاهی به راهکارهای جدید جهانی برای نجات کشاورزی از بحران آب و شوری خاک**

ا پیام ما | افزایش تولید محصولات کشاورزی برای تأمین امنیت غذایی جمعیت روبه‌رشد جهان، یکی از مهم‌ترین چالش‌های قرن حاضر محسوب می‌شود. در بسیاری از نواحی مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان، کشاورزی بدون استفاده از منابع آبی امکان‌پذیر نیست، زیرا بارندگی طبیعی پاسخگوی نیاز محصولات نیست و از پایداری کافی برخوردار نمی‌باشد. به همین دلیل، توسعه کشاورزی آبی به‌عنوان راهکار اساسی برای افزایش تولید غذا مورد توجه قرار گرفته است. بااین‌حال، بهره‌برداری گسترده از منابع آبی، به‌ویژه در مناطق دارای سیستم‌های آبیاری سنتی و مدیریت ضعیف منابع، می‌تواند پیامدهای زیست‌محیطی و هیدرولوژیکی گسترده‌ای ایجاد کند. از مهم‌ترین این پیامدها می‌توان به بالا آمدن سطح آب‌های زیرزمینی، غرقاب‌شدن زمین‌های کشاورزی و شورشدن خاک اشاره کرد.

شوری خاک یکی از جدی‌ترین تهدیدها برای پایداری کشاورزی در جهان است. زمانی که سطح آب زیرزمینی بیش از حد بالا می‌آید، آب‌شور موجود در لایه‌های زیرین خاک به سطح نزدیک می‌شود و در اثر تبخیر، نمک‌ها در خاک تجمع پیدا می‌کنند. این فرایند موجب کاهش حاصلخیزی خاک، افت عملکرد محصولات و حتی نابودی کامل زمین‌های کشاورزی می‌شود. پژوهشگران برآورد کرده‌اند که شورشدن خاک در جهان با نرخ سالانه بیش از دو میلیون هکتار در حال افزایش است. همچنین «سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد»، Food and Organization Agriculture گزارش کرده است که بیش از ۱۹ درصد از اراضی آبیاری‌شده جهان از مشکل شوری رنج می‌برند. این آمار نشان می‌دهد که اگر مدیریت صحیح منابع آب انجام نشود، توسعه کشاورزی آبی می‌تواند خود به تهدیدی برای امنیت غذایی تبدیل شود.

در کمربند خشک و نیمه‌خشک جهان قرار دارد، هم‌زمان با محدودیت شدید منابع آب و فرسایش گسترده خاک مواجه است. براساس آمارها، تشکیل هرسانتمترخاک در ایران حدود ۰۰۶ سال زمان می‌برد، اما سالانه میلیون‌ها تن خاک حاصلخیز از دست می‌رود. میزان ماده آلی در بیش از ۶۰ درصد اراضی کشاورزی کشور کمتر از یک درصد برآورد می‌شود؛ موضوعی که نشان‌دهنده فقیر شدن تدریجی خاک‌ها و کاهش توان طبیعی تولید است. در کنار این مسئله، تنها حدود ۴/۷ درصد اراضی قابل‌کشت کشور در کلاس یک قرار دارند و بخش عمده زمین‌های کشاورزی با محدودیت‌های جدی روبه‌رو هستند.

**کشاورزی حفاظتی فقط تولید بیشتر نیست**

بااین‌حال، مسئله کشاورزی حفاظتی فقط به نگاه‌های محدود نمی‌شود. بحران آب، افزایش هزینه نهاده‌ها، افت بهره‌وری، کاهش درآمد کشاورزان و تغییرات اقلیمی، همگی ضرورت تغییر الگوی کشاورزی را پررنگ‌تر کرده‌اند. در شرایطی که منابع آب زیرزمینی کاهش یافته و خشکسالی به بخشی دائمی از اقلیم ایران تبدیل شده، ادامه کشاورزی پر مصرف و فرساینده دیگر امکان‌پذیر نیست. امنیت غذایی نیز دیگر فقط به معنای تولید بیشتر نیست، بلکه به معنای توان پایدار کشور برای تولید غذا در سال‌ها و دهه‌های آینده است. کشاورزی‌ای که خاک و آب را تخریب کند، حتی اگر در کوتاه‌مدت تولید را افزایش دهد، در بلندمدت امنیت غذایی را با تهدید روبه‌رو خواهد کرد.

طی دهه‌های گذشته، سیاست غالب در بخش کشاورزی بیشتر بر افزایش تولید کوتاه‌مدت متمرکز بوده است. توسعه مکانیزاسیون بدون توجه کافی به ظرفیت اکولوژیک زمین، شخم‌های سنگین، مصرف گسترده کودهای شیمیایی و حذف تدریجی تناوب زراعی، اگرچه در مقطعی موجب افزایش تولید شد، اما فشار سنگینی بر منابع پایه وارد کرد. در بسیاری از مناطق، خاک‌ها فشرده و فرسوده شدند، ظرفیت نگهداری رطوبت کاهش یافت و وابستگی به کود و سم افزایش پیدا کرد. نتیجه این روند، افزایش هزینه تولید و کاهش تاب‌آوری بخش کشاورزی بوده است.

**کشاورزان؛ قربانیان و بازیگران تغییر**

در این میان، نقش کشاورزان نیز بسیار مهم و درعین‌حال پیچیده است. بسیاری از کشاورزان تحت‌فشار افزایش هزینه‌ها، کاهش منابع آب و نوسانات اقتصادی، ناچار شده‌اند برای حفظ درآمد خود بهره‌برداری فشرده‌تری از زمین انجام دهند. شخم عمیق‌تر، مصرف بیشتر کود و حذف بقایای گیاهی ممکن است در کوتاه‌مدت به حفظ عملکرد کمک کند، اما در بلندمدت خود به عامل تخریب زمین و کاهش سودآوری تبدیل می‌شود. زمینی که ماده آلی خود را از دست‌دهد، آب بیشتری نیاز دارد و محصول کمتری تولید می‌کند. به همین دلیل، نخستین گروهی که از تخریب منابع آسیب می‌بیند، خود کشاورزان هستند.

اما نمی‌توان کشاورزان را تنها مقصر این وضعیت دانست. بخش مهمی از مشکل به سیاست‌گذاری‌ها و ساختارهای موجود بازمی‌گردد. در شرایطی که نظام‌های حمایتی عمدتاً بر افزایش تولید کوتاه‌مدت متمرکز دارند، طبیعی است که کشاورز نیز به سمت بهره‌برداری فشرده‌تر حرکت کند. بسیاری از کشاورزان دسترسی کافی به آموزش‌های نوین، تسهیلات مالی یا ادوات مناسب ندارند. از سوی دیگر، اجرای کشاورزی حفاظتی در سال‌های نخست ممکن است با دشواری‌هایی همراه باشد؛ از جمله افزایش علف‌های هرز، نیاز به مدیریت متفاوت مزرعه، هزینه خرید تجهیزات و حتی احتمال افت موقت عملکرد تا زمان بازسازی تدریجی خاک. برای کشاورزی که درآمد سالانه‌اش به عملکرد همان فصل وابسته است، پذیرش چنین ریسکی آسان نیست.

**چالش سیاست‌گذاری و ساختار بهره‌برداری**

یکی دیگر از چالش‌های مهم، ساختار بهره‌برداری کشاورزی در ایران است. خرد بودن اراضی و پراکندگی زمین‌ها، اجرای بسیاری از روش‌های نوین را دشوار کرده است. کشاورزی حفاظتی معمولاً در قالب نظام‌های بهره‌برداری بزرگ‌تر، تعاونی‌ها، شرکت‌های سهامی زراعی و الگوهای یکپارچه موفق‌تر عمل می‌کند. در قطعات کوچک و پراکنده، استفاده از ماشین‌آلات تخصصی صرفه اقتصادی

کمتری دارد و هماهنگی برای اجرای تناوب زراعی یا مدیریت بقایای گیاهی دشوارتر می‌شود. به همین دلیل، بسیاری از کارشناسان معتقدند توسعه کشاورزی حفاظتی بدون اصلاح ساختار بهره‌برداری و تقویت نظام‌های تعاونی امکان‌پذیر نیست.

در کنار این مسائل، ضعف نظام آموزش و ترویج نیز نقش مهمی در کندی گسترش کشاورزی حفاظتی داشته است. در بسیاری موارد، این مفهوم صرفاً به عنوان «خاک‌ورزی حفاظتی» یا استفاده از ادوات خاص معرفی شده، درحالی‌که کشاورزی حفاظتی یک بسته کامل مدیریتی است و بدون اجرای هم‌زمان اصول آن، نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود. هنوز برای بسیاری از کشاورزان، شخم عمیق نشانه کشاورزی خوب محسوب می‌شود و باقی‌گذاشتن بقایای گیاهی روی زمین اقدامی غیرمعمول به نظر می‌رسد. تغییر این نگاه، تنها با بخش‌نامه و توصیه اداری ممکن نیست و نیازمند آموزش مستمر، کار میدانی و انتقال تجربه است.

**گذار به کشاورزی پایدار بدون حمایت دولت ممکن نیست**

از سوی دیگر، توسعه کشاورزی حفاظتی نیازمند بازنگری در سیاست‌های کلان بخش کشاورزی است. اگر قرار باشد همچنان موفقیت کشاورزی فقط با میزان تولید سنجیده شود، انگیزه‌ای برای حرکت به سمت الگوهای پایدار باقی نخواهد ماند. سیاست‌گذاری‌ها باید از نگاه صرفاً تولیدمحور فاصله بگیرد و حفظ منابع پایه را نیز به‌عنوان شاخص اصلی موفقیت در نظر بگیرد. حمایت مالی از کشاورزان در دوره گذار ارائه تسهیلات برای خرید ادوات، توسعه بیمه‌های حمایتی، آموزش‌های محلی، توسعه بازار محصولات متنوع تناوبی و اصلاح نظام پارانها از جمله اقداماتی است که می‌تواند زمینه گسترش کشاورزی حفاظتی را فراهم کند.

در برخی بخش‌ها نیز سیاست‌های بازدارنده ضروری به نظر می‌رسد. محدودیت استفاده از گاواهن

ا پیام ما | بحران کشاورزی ایران دیگر فقط بحران تولید نیست، بحران از دست‌رفتن ظرفیت تولید است. سال‌ها تمرکز بر افزایش برداشت، بدون توجه به توان اکولوژیک زمین، امروز کشور را به نقطه‌ای رسانده که هم منابع آب تحلیل رفته، هم خاک فقیر شده و هم معیشت کشاورزان شکننده‌تر از گذشته است. در چنین شرایطی، کشاورزی حفاظتی اگر نخواهد از سطح توصیه‌های دانشگاهی فراتر برود، باید به یک پروژه اقتصادی و حکمرانی ملی تبدیل شود، پروژه‌ای که هم‌زمان زمین، آب و درآمد کشاورز را نجات دهد. نخستین گام، تغییر معیار موفقیت در سیاست‌گذاری کشاورزی است. تا زمانی که تنها شاخص ارزیابی، میزان تولید در هر فصل باشد، کشاورز و مدیر هر دو به سمت بهره‌برداری فشرده‌تر سوق پیدا می‌کنند. سیاست‌گذار باید «حفظ خاک و آب را از مهم‌سنگ تولید ببیند. کشوری که خاک خود را از دست می‌دهد، در واقع امنیت غذایی آینده را مصرف می‌کند؛ بنابراین لازم است شاخص‌هایی مانند افزایش ماده آلی خاک، کاهش فرسایش و بهره‌وری آب، وارد نظام ارزیابی بخش کشاورزی شود.

در کنار اصلاح سیاست‌ها، مسئله اقتصاد کشاورز تعیین‌کننده است. نمی‌توان از خاک پایداری که با بدهی، خشکسالی و هزینه بالای نهاده‌ها روبه‌روست انتظار داشت دواطلبانه ریسک تغییر الگوی کشت را بپذیرد. اهمیت مخصوص گرفته تا بهمدیروز، کشاورزی حفاظتی نیازمند حمایت مالی مستقیم دولت است. از پرداخت تسهیلات کم‌بهره برای خرید ادوات مخصوص گرفته تا بیمه‌های اجرائ احتمالی عملکرد در سال‌های نخست. اگر دوره گذار بدون پشتوانه اقتصادی رها شود، کشاورز ناچار دوباره به همان الگوی فرساینده قبلی بازمی‌گردد. هم‌زمان باید نظام ترویج کشاورزی از شکل اداری و بروکراتیک فعلی خارج شود. تجربه جهانی

برگردان دار در اراضی شیب‌دار و دیم‌زارها، مشروط کردن بخشی از حمایت‌های دولتی به رعایت اصول حفاظت خاک و مدیریت پایدار آب، و توسعه برنامه‌های پایش منابع طبیعی می‌تواند از شدت تخریب منابع بکاهد. سیاستی که به نظر می‌رسد در سال زراعی جاری آغاز شده است، اما قضاوت درباره موفقیت اجرای آن به زمان بیشتری نیاز دارد. در واقع، حفاظت از منابع پایه باید به بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست امنیت غذایی کشور تبدیل شود.

امروز بسیاری از کشورها دریافته‌اند که آینده کشاورزی فقط با افزایش تولید تضمین نمی‌شود، بلکه پایداری تولید اهمیت بیشتری دارد. کشاورزی حفاظتی تلاشی برای بازتعریف رابطه میان تولید، طبیعت و اقتصاد روستایی است؛ الگویی که می‌کوشد هم‌زمان معیشت کشاورزان، امنیت غذایی و حفاظت از منابع طبیعی را حفظ کند. در کشوری مانند ایران که هم‌زمان با بحران آب، فرسایش خاک، تغییرات اقلیمی و فشار اقتصادی بر بخش کشاورزی روبه‌روست، حرکت به سمت این الگو دیگر یک انتخاب اختیاری نیست.

موفقیت این مسیر نیز تنها به تغییر رفتار کشاورزان وابسته نیست. بدون اصلاح سیاست‌گذاری‌ها، تقویت نظام‌های بهره‌برداری، توسعه آموزش و حمایت مؤثر دولت، نمی‌توان انتظار داشت کشاورزی حفاظتی به شکل فراگیر اجرا شود. در نهایت، مسئله فقط نجات خاک یا کاهش مصرف آب نیست؛ مسئله حفظ توان کشور برای تولید غذا و ادامه حیات اقتصادی و اجتماعی روستاهاست. کشاورزی حفاظتی اگرچه در آغاز ممکن است پرهزینه و دشوار به نظر برسد، اما هزینه ادامه مسیر فعلی بسیار سنگین‌تر خواهد بود؛ مسیری که در آن منابع طبیعی فرسوده می‌شوند، تولید ناپایدارتر می‌شود و امنیت غذایی نسل‌های آینده بیش‌ازپیش در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

### | چه باید کرد؟

## گذار از کشاورزی فرساینده به کشاورزی تاب‌آور

نشان داده تغییر رفتار کشاورزان بیش از آنکه با بخش‌نامه ممکن شود، از مسیر آموزش میدانی و مزرعه‌های الگویی اتفاق می‌افتد. کشاورزی حفاظتی زمانی فراگیر می‌شود که کشاورز نتیجه آن را در زمین همسایه خود ببیند، نه فقط در بروشورهای دولتی. ایجاد شبکه‌های محلی آموزش، استفاده از کشاورزان پیشرو و تقویت ارتباط دانشگاه با مزرعه می‌تواند این فاصله را کاهش دهد.

مسئله مهم دیگر ساختار خرد و پراکنده اراضی است. بسیاری از فناوری‌ها و روش‌های کشاورزی حفاظتی در زمین‌های کوچک صرفه اقتصادی ندارند. بدون توسعه تعاونی‌های واقعی، کشت‌های قراردادی و الگوهای بهره‌برداری مشترک، اجرای فراگیر این روش دشوار خواهد بود. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد یکپارچه‌سازی مدیریت، نه الزاماً مالکیت، شرط مهم کاهش هزینه‌ها و استفاده مؤثر از فناوری‌های نوین است.

در کنار سیاست‌های حمایتی، برخی محدودیت‌های بازدارنده نیز اجتناب‌ناپذیر است. ادامه شخم سنگین در اراضی شیب‌دار، سوزاندن بقایای گیاهی و برداشت بی‌رویه آب زیرزمینی دیگر نباید صرفاً «انتخاب فردی» تلقی شود، زیرا هزینه آن را کل جامعه و نسل‌های آینده پرداخت می‌کنند. حفاظت از خاک باید همان جایگاهی را پیدا کند که امروز حفاظت از منابع آب پیدا کرده است، یک مسئله امنیتی و ملی. در نهایت، کشاورزی حفاظتی فقط یک روش کشت نیست، بازنگری در رابطه میان اقتصاد، طبیعت و توسعه روستایی است. اگر این تغییر به‌موقع آغاز نشود، فرسایش منابع به فرسایش معیشت و سپس به فرسایش امنیت غذایی کشور خواهد انجامید. شاید هزینه اصلاح الگوی کشاورزی امروز سنگین به نظر برسد، اما هزینه ادامه مسیر فعلی به مراتب سنگین‌تر و جبران‌ناپذیرتر خواهد بود.

مشکلات منطقه، نیازی به تغییرات گسترده و پرهزینه نبود. سناریوی بهینه نشان داد که تنها با تغییرات کوچک ۳ تا ۶ درصدی در برخی متغیرهای مدیریتی، می‌توان مشکلات هیدرولوژیکی منطقه را تا حد زیادی کنترل کرد. این یافته اهمیت برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت علمی منابع آب را نشان می‌دهد. گاهی اصلاحات محدود اما همدفند می‌تواند اثرات بسیار بزرگی بر پایداری کشاورزی داشته باشد.

مدل SaltMod در این تحقیق نشان داد که ابزاری مؤثر برای شبیه‌سازی شرایط آب و خاک در مناطق کشاورزی است. این مدل می‌تواند تعادل آب و نمک را در شرایط مختلف بررسی کند و اثر تصمیمات مدیریتی را پیش‌بینی نماید. به همین دلیل، استفاده از چنین مدل‌هایی برای برنامه‌ریزی منابع آب در مناطق خشک و نیمه‌خشک اهمیت زیادی دارد. مدیران منابع آب و برنامه‌ریزان کشاورزی می‌توانند پیش از اجرای سیاست‌های مختلف، پیامدهای آن‌ها را با استفاده از مدل شبیه‌سازی بررسی کرده و بهترین گزینه را انتخاب کنند.

اهمیت این نوع تحقیقات تنها به منطقه مورد مطالعه محدود نمی‌شود، بلکه بسیاری از کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای درحال‌توسعه، با مشکلات مشابهی



-تاریخچه

-تاریخچه

### اگر قرار باشد

**موفقیت کشاورزی**

**فقط با میزان تولید**

**سنجیده شود**

**انگیزه‌ای برای حرکت**

**به سمت الگوهای پایدار**

**باقی نخواهد ماند**

**سیاست‌گذاری‌ها باید**

**حفظ منابع پایه را**

**به‌عنوان شاخص اصلی**

**موفقیت در نظر بگیرند**

### اگر قرار باشد

**موفقیت کشاورزی**

**فقط با میزان تولید**

**سنجیده شود**

**انگیزه‌ای برای حرکت**

**به سمت الگوهای پایدار**

**باقی نخواهد ماند**

**سیاست‌گذاری‌ها باید**

**حفظ منابع پایه را**

**به‌عنوان شاخص اصلی**

**موفقیت در نظر بگیرند**

### اگر قرار باشد

**مدل SaltMod**

**به طور ویژه برای تحلیل**

**تعادل آب و نمک**

**در مناطق کشاورزی**

**طراحی شده**

**ومی‌تواند تغییرات**

**سطح آب زیرزمینی**

**میزان شوری**

**و تأثیر روش‌های مدیریتی**

**را در طول زمان**

**شبیه‌سازی کند**



## گلستان

## تبلور حمایت از قطب کشاورزی در کشور

مؤمنی- مدیر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه گلستان، با اشاره به جایگاه راهبردی استان در تأمین امنیت غذایی کشور، آمار سوخت‌رسانی به بخش کشاورزی در سال ۱۴۰۴ را تشریح کرد.

سید محمد حسینی با بیان اینکه گلستان یکی از قطب‌های اصلی و حیاتی کشاورزی در ایران محسوب می‌شود، اظهار داشت: خدمت‌رسانی به کشاورزان شریف و زحمت‌کش استان، اولویت اول و دغدغه همیشگی مجموعه ماست. در همین راستا طی سال ۱۴۰۴ بالغ بر ۱۸۳ میلیون و ۷۲ هزار لیتر نفت گاز در بخش‌های مختلف کشاورزی اعم از ادوات و ماشین‌آلات، چاه‌های آب، دامداری‌ها، مرغداری‌ها و صنایع وابسته توزیع شده است. مدیر منطقه گلستان در ادامه با تأکید بر ارزش بالای نقش کشاورزان در اقتصاد مقاومتی افزود: ما می‌دانیم که پشت هر لیتر سوختی که توزیع می‌شود، سفره مردم و امنیت غذایی کشور قرار دارد. تمام تلاش همکاران من بر این استوار بوده که علی‌رغم چالش‌های عملیاتی، هیچ تراکتوری در زمین نماند و هیچ چاه آب و واحد تولیدی دامی با وقفه در تأمین انرژی مواجه نشود.

حسینی خاطرنشان کرد: توزیع ۱۸۳ میلیون لیتر سوخت در این بخش، تنها یک آمار عددی نیست، بلکه نشانی از ارادت ما به قشر تولیدگر و دغدغه‌مندی شرکت نفت برای توسعه پایدار استان گلستان است. ما خود را شریک صبوری و تلاش کشاورزان می‌دانیم و متعهدیم که در سال پیش‌رو نیز با دقت و سرعت مضاعف، نض تولید در مزارع و واحدهای تولیدی استان را زنده نگه داریم.

### ارخرزی |

**دکتر اسماعیل شیعه:**

# اراک را باید برای مردم طراحی کرد، نه برای خودروها

بر پیوست‌های محیطی پروژه‌ها اشاره کرد و افزود: موفقیت یک طرح عمرانی در گرو نگاه جامع به عناصری همچون مبلمان شهری، فضاسازی مناسب، آب‌ماها و آب‌ماها و پیش‌بینی مسیرهای اضطراری برای شرایط بحرانی است. وی همچنین با آسیب‌شناسی برخی تجربه‌های گذشته در اراک، نبود نگاه تخصصی و اجرای سلیقه‌ای قوانین را از عوامل بروز چالش‌های کالبدی در دهه‌های اخیر دانست.

بخش دیگری از این نشست به واکاوی چالش‌های حمل‌ونقل عمومی و کمبود پارکینگ اختصاص داشت. دکتر شیعه در این باره، تحقق مدیریت واحد شهری و هم‌گرایی دستگاه‌های مسئول را شرط اصلی پیشرفت طرح‌ها عنوان کرد و یادآور شد که پروژه‌های بزرگ شهری بدون پشتوانه حمایت‌های دولتی، همراهی بین دستگاهی و مشارکت فعال شهروندان به ثمر نخواهند رسید. او با تأکید بر لزوم عبور از نگاه‌های کوتاه‌مدت، بهره‌گیری از ظرفیت‌های طبیعی در بافت شهری و توجه به جنبه‌های روانی و فرهنگی زندگی شهروشنینی را از مؤلفه‌های ضروری شهرسازی نوین برشمرد. به گفته وی، کاهش هراس از محیط و ایجاد آرامش بصری، وظایف ذاتی برنامه‌ریزان شهری در طراحی فضای شهر است. در پایان این نشست تأکید شد که هدف نهایی از تغییرات کالبدی در قلب اراک، فراتر از ساخت‌وسازهای فیزیکی، خلق محیطی متعادل، ایمن و آسان‌مدار است؛ فضایی که در آن توسعه عمرانی با هویت فرهنگی و نیازهای اجتماعی شهروندان در هم آمیزد.

آزاده فراهانی - علیرضا محمودی شهردار اراک، در نشست تخصصی و صمیمانه با حضور اصحاب رسانه، میزبان اسماعیل شیعه استاد برجسته و پیشکسوت تام‌اشنای شهرسازی ایران، استاد دانشگاه‌های معماری و شهرسازی تهران، علم و صنعت ایران و دارای دکتری شهرسازی دانشگاه تهران، دکتری شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، ابعاد فنی پروژه پیاده‌راهسازی، ضرورت‌های مدیریت یکپارچه شهری و چشم‌انداز کالبدی مرکز شهر اراک مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در این نشست دکتر اسماعیل شیعه با ابراز خرسندی از حضور در زادگاه خود و باارخاونی پیشینه چند دهه فعالیت تخصصی‌اش، بر لزوم تحولی بنیادین در هسته مرکزی اراک تأکید کرد. او با اشاره به تجارب جهانی در ایجاد مسیرهای ویژه عبای پیاده، اجرای این طرح را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای ارتقای کیفیت محیطی دانست و تصریح کرد: هویت اصلی شهر باید بر پایه نیازهای مردم و اولویت حرکت پیاده بازتعریف شود، نه صرفاً برای تردد خودروها

این استاد برجسته شهرسازی، یادگرداندر مرکز شهر به شهروندان را راهکاری علمی و اثبات‌شده برای کاهش گره‌های ترافیکی برشمرد و خاطرنشان کرد: تحولات ساختاری شهری ممکن است در ابتدا با مقاومت‌هایی همراه باشد، اما برآیند نهایی آن، احیای هویت شهری و بهبود چشمگیر شاخص‌های زیست‌پذیری خواهد بود.

دکتر شیعه با تأکید بر ضرورت پرچیز از اجرای ناقص یا مقطعی طرح‌ها،

### ارستان |

## در راستای سیانت از حقوق بیت‌المال از مدیرکل منابع طبیعی لرستان تقدیر شد

پارسا- در مراسمی با حضور جمعی از مسئولان استانی، از سوی دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان، از تلاش‌ها و اقدامات ارزشمند مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان لرستان، آقای مهندس شیراز نجفی، در راستای حفظ و صیانت از حقوق بیت‌المال تقدیر به عمل آمد.

این لوح تقدیر در حالی به مدیرکل منابع طبیعی اهدا شد که اقدامات این اداره در اجرای دقیق قوانین، پیشگیری از تصبیع اموال عمومی و صیانت از منابع ملی، مورد ستایش قرار گرفت.

دادستان عمومی، آقای دکتر علی حسنونر، در این مراسم، ضمن تقدیم لوح سپاس به آقای مهندس نجفی، بر اهمیت نقش اداره کل منابع طبیعی در حفاظت از انفال و ثروت‌های ملی تأکید کرد. او اظهار داشت: حفظ و حراست از منابع طبیعی، جنگل‌ها، مراتع و سایر ثروت‌های عمومی، وظیفه‌ای همگانی است و اقدامات قاطع و مؤثر اداره منابع طبیعی در این زمینه، شایسته تقدیر است. حسنونر افزود: دادستانی عمومی در راستای وظایف قانونی خود،

## بررسی موانع تولید در شهرک صنعتی بانه

نوشادی- معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار کردستان به همراه جمعی از مدیران دستگاه‌های اقتصادی استان با حضور در شهرک صنعتی بانه از نزدیک مشکلات و موانع پیش روی تولیدکنندگان این شهرستان را بررسی کردند و در جلسه قراگراه اقتصادی استان راهکارهای رفع آن موارد را مورد بحث قرار دادند.

در این بازدید میدانی، مدیران اقتصادی استان ضمن بررسی مشکلات واحدهای تولیدی فعال در شهرک صنعتی بانه، با تولیدکنندگان و متقاضیان جدید این مجموعه صنعتی دیدار و گفت‌وگو کردند تا از نزدیک با مشکلات و چالش‌های پیش روی آنها آشنا شوند.

معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار کردستان در جریان این بازدید، با تأکید بر اهمیت حمایت از تولیدکنندگان و رفع موانع تولید، اظهار کرد: تولیدکنندگان در شرایط سخت اقتصادی، ستون اصلی پایداری اقتصاد استان هستند و استمرار فعالیت آنها تنها به ایجاد اشتغال کمک می‌کند، بلکه رونق اقتصادی شهرستان و استان را تضمین می‌کند. ارسالن ازبهارى افزود: مدیریت استان تلاش می‌کند با تسهیل روند فعالیت واحدهای تولیدی، کاهش بوروکراسی اداری و ارائه حمایت‌های لازم، زمینه را برای رشد و توسعه تولید در کردستان فراهم کند و تولیدکنندگان بتوانند با اطمینان بیشتری در مسیر توسعه فعالیت‌کنند.

مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی کردستان نیز با اشاره به اینکه مساحت شهرک صنعتی بانه ۲۰ هکتار است، افزود: تاکنون ۹۳ قرارداد با متقاضیان این شهرک منعقد شده است.

### ناصری -

محمود صائعی در نشست خبری با اصحاب رسانه در شهر زرقان، ضمن تبریک فرارسیدن هفته زرقان و هشادت و هفتمین سالگرد تأسیس شهرداری این شهر، به تشریح کارنامه پنج‌ساله مدیریت شهری پرداخت و اظهار کرد: طی این سال‌ها شاهد اقدامات روبه‌جلویی در شهر زرقان بودیم که موجب فراهم‌شدن رضایتمندی نسبی شهروندان شده است. او تأکید کرد: مجموعه شهرداری تلاش کرده است تا از نگاه تک ساختی پرهیز کرده و در تمامی حوزه‌ها عملکردی متوازن داشته باشد.

توسعه زیرساخت‌های عمرانی و نوسازی ناوگان موتوری

شهردار زرقان در تشریح پروژه‌های عمرانی و زیرساختی گفت: در حوزه زیربنایی، موفق شدیم بخشی را به ساختمان مرکزی شهرداری اضافه کرده و ساختمان موتوری شهرداری را نیز راه‌اندازی کنیم. همچنین بهسازی اماکن تحت مالکیت شهرداری از جمله استخر و تکمیل ساختمان فرهنگسرای سرو در دستور کار قرار گرفت و

اجرای شد. او با اشاره به نوسازی تجهیزات شهری افزود: در مسیر توسعه و بهسازی ناوگان موتوری، ۱۱ خودروی سبک‌وسنگین جدید به مجموعه اضافه شده است. همچنین تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام دوره‌های گذشته شامل پارکینگ، بمب‌بنزین و سیستمای زرقان با جدید دنبال می‌شود. صائعی بیان کرد: در حوزه روشنایی معابر و پارک‌ها نیز ورود جدی داشتیم و علی‌رغم اینکه این موضوع از وظایف ذاتی اداره برق است، اما با همکاری این نهاد، وضعیت روشنایی معابر را به‌کلی متحول کردیم.

نهایت آسفالت و تدوین طرح تفصیلی شهر

صائعی با اشاره به خدمات محله‌محور اظهار کرد: بهسازی فضای سبز در محلات مختلف و اجرای ۱۲۰ هزار مترمربع آسفالت معابر از دیگر اقدامات سال گذشته بود. همچنین در بحث دفع آب‌های سطحی، پروژه‌های مؤثری در محلات اجرا شده است. در حوزه



### نوبت اول

## آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای (همراه با ارزیابی کیفی)

### خرید انواع تجهیزات برقی

- نام- دستگاه مناقصه گزار :** شرکت توزیع نیروی برق استان اردبیل
- آدرس مناقصه گزار:** اردبیل - شهرک اداری بعثت (کارشناسان ) ، شرکت توزیع نیروی برق استان اردبیل - تلفنهای ۰۹- ۳۳۷۴۱۶۱ - ۰۴۵
- موضوع مناقصه :**
- سپرده شرکت در مناقصه :**

ردیف	شرح	مبلغ سپرده به ریال	تاریخ بازنشایی
۱	انواع چراغ خیابانی LED	۴,۰۴۰,۰۰۰,۰۰۰	روزدوشنبه مورخه ۱۴۰۵ /۰۳ /۱۸
۲	انواع کابل آلومینیومی	۳,۰۸۵,۰۵۰,۰۰۰	روزدوشنبه مورخه ۱۴۰۵ /۰۳ /۱۸
۳	کابل ۲۰۶	۴,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰	روزدوشنبه مورخه ۱۴۰۵ /۰۳ /۱۸
۴	انواع تابلو توزیع	۴,۳۴۵,۰۰۰,۰۰۰	روزدوشنبه مورخه ۱۴۰۵ /۰۳ /۱۸

**۵- محل خرید اسناد مناقصه :**

کلیه مراحل برگزاری مناقصه در دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران وپارکشیایی پاکتبا از طریق سامانه الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد.

واجدین شرایط میتوانند از روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ لغایت روز یکشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۳/۰۳ نسبت به دریافت اسناد مناقصه از طریق سامانه فوق الذکر اقدام نمایند.

لازم است مناقصه گران در صورت عدم ضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

**۶- تاریخ مهلت و محل تحویل اسناد مناقصه :**

مناقصه گران پس از دریافت و مطالعه اسناد حداکتر تا ساعت ۱۲ روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ اسناد مربوطه را به مردوروش زیر (ف) از طریق سامانه تدرکات الکترونیکی دولت

ا) و همچنین پاکت‌های الف را بعد از بازگزاری در سامانه بصورت درسته و لاک و مهر شده در داخل لافه لاک و مهر شده بصورت فیزیکی تا یک ساعت قبل از شروع جلسه مناقصه طبق توضیحات شرایط مناقصه به دبیرخانه شرکت (ردبیل - شهرک اداری بعثت- کارشناسان)

شرکت توزیع نیروی برق استان اردبیل به کدپستی ۵۶۱۳۴۳۳۵ ارسال نمایند .

۷- پاکت‌هایی که درتبر از این مهلت تسلیم شود در یافت نخواهد گردید.

۸- پیشنهاد دهندگان ملزم به ارسال اسناد وپیشنهاد قیمت بصورت الکترونیکی می باشند.

۹- محل برگزاری جلسه مناقصه : جت جلسه واقع در طبقه سوم شرکت میباشد.

۱۰- زمان برگزاری جلسه اول مناقصه : جلسه مناقصه راس ساعت ۱۳ روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ می باشد

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۲/۲۶ - تاریخ انتشار نوب دوم:۱۴۰۵/۰۲/۲۷

### خبر |

## بازدیدرئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی لرستان

### از سازه‌های آبخیزداری

لرستان، پارسا- خانم دکتر حسن‌پور رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، در بازدید از چندین سازه آبخیزداری احداث شده در شهرستان خرم‌آباد، از نزدیک در جریان روند اجرای پروژه‌ها و میزان اثربخشی آن‌ها در کنترل سیلاب و تغذیه سفره‌های زیرزمینی قرار گرفت. در این بازدید که با حضور مدیرکل منابع طبیعی و کارشناسان مربوطه صورت پذیرفت، پیشرفت فیزیکی و فنی سازه‌هایی نظیر بندهای خاکی، سنگی ملاتی، گابیون و اسکله یزی در مناطق مختلف شهرستان موردبررسی قرارگرفت. در بازدید از این سازه‌ها، نتایج اولیه نشان‌دهنده کاهش قابل‌توجه فرسایش خاک و افزایش نفوذ آب به سفره‌های زیرزمینی و جلوگیری از سیلاب در مناطق تحت پوشش این سازه‌ها بوده‌است.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، با اشاره به اهمیت اجرای طرح‌های آبخیزداری در جلوگیری از رواناب و سیلاب و مقابله با خشکسالی و بهبود وضعیت منابع آبی استان، بر ضرورت تسریع در تکمیل پروژه‌های در دست اجرا و شناسایی مناطق جدید برای احداث سازه‌های مشابه تأکید کرد.

او همچنین خواستار ارائه گزارش‌های جامع‌تر در خصوص اثربخشی بلندمدت این پروژه‌ها و اثرات زیست‌محیطی و اقتصادی آن‌ها شد تا بتوان با اطلاعات دقیق‌تر، برنامه‌ریزی‌های آتی را در این حوزه بهبود بخشید. در پایان این بازدید مدیرکل منابع طبیعی ضمن تشریح چالش‌های موجود در حوزه مدیریت آب‌و‌خاک، بر ضرورت تأمین اعتبارات لازم برای تعمیر، نگهداری و احداث سازه‌های جدید تأکید کرد.

### طرح ملی «تحول، پایش و ارزیابی فضای کسب‌وکار» در اردبیل

اردبیل، سعادتی- در راستای اجرای طرح ملی «تحول، پایش و ارزیابی فضای کسب‌وکار»، استان اردبیل به‌عنوان پایلوت اجرای این طرح انتخاب شده است؛ در این راستا جلسه‌ای با حضور محمود صفری شهردار اردبیل با جنگ‌آرا مدیریت پروژه تحول و پایش محیط کسب‌وکار برگزار شد؛ این طرح که باهدف ایجاد یکپارچگی در اطلاعات حوزه کسب‌وکار و طراحی پلتفرم دیجیتال جامع توسط اتاق بازرگانی ایران صورت می‌گیرد، گامی مهم در جهت تسهیل و ارتقای محیط کسب‌وکار کشور برمی‌دارد.

گفتنی است؛ ریاست جمهوری در نشست با اعضای اتاق بازرگانی ایران در مهرماه سال ۱۴۰۴، بر لزوم یکپارچه‌سازی خشمگی اطلاعات حوزه کسب‌وکار تأکید کرده و اتاق بازرگانی ایران را مسئول طراحی پلتفرم دیجیتال فضای کسب‌وکار کرد. تاکنون بیش از ۱۰۰۰ نفر از جمله کارمندان شهرداری اردبیل، در خصوص این طرح آموزش دیده‌اند. در همین راستا، شهرداری اردبیل اعلام کرده است که اجرای این طرح را در دستور کار خود قرار داده و در حال پیاده‌سازی آن در مجموعه شهرداری است؛ هدف اصلی از این اقدام، افزایش شفافیت در فرایندهای مربوط به کسب‌وکار و ارزیابی دقیق‌تر فضای کسب‌وکار در شهر اردبیل عنوان شده است. این پروژه با پیش‌گامی شهرداری اردبیل، نویدبخش آینده‌ای روشن‌تر برای کسب‌وکارهای منطقه و افزایش رضایتمندی فعالان اقتصادی خواهد بود.

## چهره |

اصغر فرهادی:

## کشته شدن هر انسان بی گناهی جنایت است

اصغر فرهادی، کارگردان برندهٔ اسکار، در نشست خبری جشنواره فیلم کن دربارهٔ وضعیت ایران و جنگ اخیر علیه کشورش سخن گفت. او که برای نمایش فیلم جدیدش «داستان‌های موزی» در کن حضور داشت، در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره وقایع داخل ایران، اشاره کرد که هفتهٔ پیش در تهران بوده و تأثیر این اتفاقات هنوز همراه اوست. فرهادی با درنناک خواندن مشاهداتش در ایران افزود: «مخالفت با کشته شدن بی گناهان، غیرنظامیان و افراد معمولی به معنای موافقت با کشته شدن افراد در خیابان‌ها نیست و برعکس آن نیز همینطور است.» او کشته شدن هر انسان رجنایتی توصیف کرد و تأکید نمود که با هیچ دیدگاهی، کشتن انسان‌ها برایش قابل پذیرش نیست. فرهادی در ادامه بیان کرد: «بسیار دردناک است که در قرن حاضر با این میزان پیشرفت، هر روز یا خبر کشته شدن انسان‌های بی‌گناه بدون هیچ دلیلی از خواب بیدار می‌شویم.» فیلم «داستان‌های موزی» در شب نخست نمایش خود در کن با تشویق ایستاده ۵،۵ دقیقه‌ای برای فرهادی و بازیگران فرانسوی‌اش روبه‌رو شد. این درام فرانسوی داستان زنی به نام «سیلوی» را دنبال می‌کند که برای الهام گرفتن برای رمان جدیدش، همسایگانش را زیر نظر می‌گیرد؛ اما وقتی جوانی به نام «آدام» وارد زندگی‌اش می‌شود، همه چیز مسیری غیرمنتظره پدید می‌آید. فرهادی همچنین در ابتدای این کنفرانس از ایدهٔ ساخت فیلم جدید خود گفت و توضیح داد که پیشنهاد ساخت این فیلم از سوی نویسندهٔ همکار «کیشولفسکی» کارگردان فقید لهستانی، با الهام گرفتن از یکی از قسمت‌های مجموعهٔ «فرمان» ارائه شده است. او که نمی‌خواست به هر دره قسمت بپردازد، قسمت ششم را که بعدها به فیلم کوتاهی دربارهٔ عشق شناخته شد، برای الهام گرفتن به منظور ساخت یک فیلم سینمایی بلند انتخاب کرد.

## حاشیه |

## وقتی کتاب یک مدیر شهری، میان ترازوی علم و تقویم انتخابات گیر می‌کند

## «شهر بیدار»: از پروژه پژوهشی تا جنجال سیاسی

در فضای پرآلتهاب پیش از انتخابات، مرز میان «فعالیت علمی» و «تبلیغات سیاسی» به باریکی یک تار موست. در شیراز، کتاب «شهر بیدار» اثر «سیدابراهیم حسینی»، رئیس شورای شهر که شنبه نوزدهم اردیبهشت‌ماه امسال در سالن اجتماعات شورای شهر رونمایی شد، دقیقاً در همین نقطه حساس ایستاده است. اثری که قرار بود با هدف ارتقای دانش مدیریت شهری به میدان بیاید، اما با ورود به چرخه رسانه‌ها، ناگهان از یک «پروژه پژوهشی» به یک «موضوع بحث‌برانگیز» در حوزه شفافیت مالی و زمان بندی انتخاباتی بدل شد.

در این میان فعالان رسانه‌ای به دنبال شفافیت این موضوع هستند که بدانند آیا بودجه عمومی (بی‌ت‌المال) صرف چاپ یک اثر شخصی شده و آیا سالن‌های دولتی ابزار تبلیغاتی برای مدیران هستند؟ حسینی در پاسخ به این پرسش‌ها، در گفت‌وگو با «پیام ما» قاطعانه ادعا می‌کند تمامی هزینه‌های نگارش و نشر کتاب از منابع شخصی تأمین شده است، موضوعی که رئیس شورای شهر شیراز را بر آن واداشته تا اتهام استفاده از منابع شهرداری را از پیش‌رو بردارد.

انتخاباتی کرد.» نگاهی که اگرچه از نظر قانونی دفاع‌پذیر است، اما در فضای پرآلتهاب سیاسی، همچنان با چالش ادراک عمومی روبه‌روست.

### «شهر بیدار» با هزینه شخصی منتشر شده است

در همین راستا، حسینی برخی حواشی مطرح‌شده درباره کتاب «شهر بیدار» را رد می‌کند و به «پیام ما» می‌گوید: «این اثر به طور کامل با هزینه شخصی تهیه و منتشر شده و هیچ‌گونه استفاده‌ای از منابع مالی شهرداری یا شورای اسلامی شهر در آن صورت نگرفته است.»

کتاب «شهر بیدار» در ۱۱ سرفصل بر پایه یادداشت‌های روزانه، صورت‌جلسات، تجربه‌های میدانی و تأملات شخصی تدوین شده است. نویسنده تلاش کرده زبان کتاب ساده و قابل فهم باشد تا هم مدیران شهری و هم شهروندان عادی بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. به گفته مؤلف این اثر، فصل نخست این کتاب به مفهوم «بیداری شهر» اختصاص دارد. بیداری که صرفاً به معنای توسعه فیزیکی نیست، بلکه شهری است که نسبت به مسائل اجتماعی و مطالبات شهروندان حساس باشد.



آژمه سپهرا   
 اخبارنگار

رئیس شورای شهر شیراز تلاش می‌کند بر پایه «سوابق تاریخی» و «قانون مدیریت شهری»

به برگزاری مراسم در محل شورا و استفاده از امکانات عمومی در قالب فعالیت‌های علمی

مشروعیت ببخشد. با این حال هم‌زمانی رونمایی از این کتاب با نزدیکی به فصل انتخابات

سایه سنگین «تبلیغات زود هنگام» را بر این اثر افکنده است

## نشست |

## کودکان جنگ

## محروم از تجربه طبیعی کودکی

در نشستی با عنوان «جنگ و کودکی در تعلیق» که پنج‌شنبه ۲۴ اردیبهشت‌ماه در ساختمان انجمن نویسندگان کودک و نوجوان برگزار شد، دکتر عبدالرحمن نجل‌رحیم، نویسنده و عصب‌شناس، به پیامدهای روحی-روانی جنگ بر کودکان پرداخت. به گفته او، کودکی که در فضای جنگ قرار می‌گیرد، تحت تأثیر فضای حاکم بر خانه و جامعه، به‌طور مداوم در معرض اضطراب، وحشت و نگرانی مزمن قرار دارد و عملاً فرصت تجربهٔ طبیعی و بی‌دغدغهٔ کودکی را از دست می‌دهد.

نجل‌رحیم افزود: محدود شدن بازی‌ها، ترس و نگرانی خانواده، و فضای امنیتی-نظامی حاکم بر جامعه، کودک را به کنترل شدید رفتار و اعمال خود وادار می‌کند. در چنین شرایطی، «بقا» به مهم‌ترین دغدغهٔ کودک تبدیل می‌شود و اضطراب و هراس، روند طبیعی و آرام دوران کودکی را مختل می‌کند.

در ابتدای این نشست که با دبیری شهرام اقبال‌زاده برگزار شد، دکتر نعمت‌الله فاضلی، انسان‌شناس، با اشاره به فاجعهٔ شهادت کودکان مدرسهٔ «شجره طیبه» میناب، جنگ را به‌شدت محکوم کرد. او از نویسندگان کودک و نوجوان خواست تا از منظر خود دربارهٔ تبعات جنگ بنویسند. فاضلی به جنگ جهانی دوم و شیوهٔ پرداخت نویسندگان آن دوره اشاره کرد و آلبر کامو را نمونه‌ای دانست که عصیان، درد و مقاومت را در آثارش به تصویر کشید. او بر ضرورت همدلی و همکاری میان آحاد مردم، به‌ویژه نویسندگان، در شرایط بحرانی تأکید کرد.

در ادامه، شهرام اقبال‌زاده به ایجاد رسانه‌های جنگ و نقش‌نهادهایی مانند آموزش و پرورش، صداوسیما و آموزش عالی در شفافیت اطلاع‌رسانی پرداخت. او به نگاه نسل «ز» اشاره کرد که در اثر عدم مطالعهٔ کافی تاریخ، تنها بخشی از واقعیت دوران پهلوی را می‌بیند و از مشکلاتی چون حلی‌آبادها، نبود برق و فقدان ابتدایی‌ترین امکانات زندگی در بسیاری از روستاها آگاهی ندارد. اقبال‌زاده همچنین بر مسئولیت نویسندگان در روزهای جنگ تأکید کرد و هزرونگه تجاوز به خاک میهن را محکوم نمود.

## تاریخ‌حوانه |

به انگیزه نودمین سال گشایش ساختمان مرکزی «بانک ملی ایران»

## عمارت خیابان علاءالدوله



احمدرضا محمدی   
 روزنامه‌نگار

عمارت باشکوه بانک ملی ایران، همین روزهای اردیبهشت امسال نودساله شد. در پی تصویب «قانون تأسیس بانک ملی ایران» در مجلس ششم شورای ملی «برای پیشرفت امر تجارت و فلاحات و زراعت و صناعت» به تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ و آغاز به‌کار رسمی آن در ۲۰ شهریور ۱۳۰۷، کار ساخت ساختمان و شعبهٔ مرکزی آن در ۲۵ تیر ۱۳۱۲ شروع شد و ساعت چهار بعدازظهر پنج‌شنبه، سوم اردیبهشت ۱۳۱۵ با حضور پهلوی اول در قلب خیابان فردوسی (علاءالدولهٔ آن زمان) گشایش یافت که به گزارش روزنامهٔ اطلاعات، «هیئت دولت، هیئت‌رئیسۀ مجلس شورای ملی، رئیس دربار سلطنتی، رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی،



افتتاح عمارت جدید بانک ملی ایران

## دیدگاه |

شهری، انتشار چنین آثاری مورد تشویق بوده و حتی سابقه رونمایی از آثار اعضا و افراد مؤثر در شهر در جلسات شورا و صحن علنی هم وجود داشته است.»

حسینی برگزاری نشست معرفی این کتاب در محل شورا را نیز در همین چارچوب می‌داند: «این برنامه با هدف گفت‌وگو درباره موضوعات مرتبط با مدیریت شهری برگزار شده است.»

رئیس شورای شهر شیراز همچنین درباره ارتباط‌دادن این موضوع با انتخابات می‌گوید زمان برگزاری انتخابات شوراها از پیش مشخص نیست و پس از اعلام مراجع ذی‌صلاح تعیین می‌شود: «بنابراین نسبت‌دادن فعالیت‌های عادی علمی و حرفه‌ای به ملاحظات انتخاباتی، مبنای دقیقی ندارد. نقد و پرسشگری رسانه‌ها محترم است، اما نباید اقدامات علمی و قانونی در حوزه مدیریت شهری با برداشت‌های نادرست به حاشیه برده شود.»



## دیدگاه |

رئیس ستاد ارتش، هیئت نظر بانک، هیئت نظارت ذخیرهٔ اسکناس و رؤسای ادارات بانک» و نیز «سرهنگ رضاقلی امیرخسروی»، رئیس بانک ملی حضور داشتند. در همین مراسم مجسمهٔ رضاشاه ساختهٔ ابوالحسن صدیقی رونمایی شد و او از «خرانهٔ بانک و ذخایر طلا و نقره و اسکناس‌ها» بازدید کرد.

طراحی این بنا را یک معمار آلمانی به نام «هانس هاینریش مولر» انجام داد و آن را شبیه به یاپوون بروکسل بلژیک ساخت و کوشید اثرش تلفیقی از معماری ایرانی و اروپایی باشد؛ یک تالار با ستون‌های بلند که ده پله بالآمده و سردر آن یک فرور بزرگ است؛ دو شیر سنگی در ورودی و دو نقش برجستهٔ سه‌متری از سرباز هخامنشی در کنارهای تالار که همگی به تخت‌جمشید و تاریخ باشکوه ایران اشاره می‌کنند.

دو مجسمهٔ شیر در ورودی‌اش را هم «غلامرضا رحیم‌زاده ارتژگ» ساخت که در همان سال تندیس «نبرد گرشاسب با اژدها» در میدان حر (باغشاه آن زمان) و شش سال بعد نقش برجستهٔ «نوشیروان دادگر» در کاخ دادگستری را پدید آورد. در ساخت این بنا که هم یادآور ایران هخامنشی و نیز تداعی‌گر عصر باروک اروپاست، با مصالحی چون سیمان و آهن ساخته شده است. شکل آن در ابتدا تی مانند بود؛ اما به استناد عکس‌هایی سال ۱۳۲۷، دوباره به انتهای شمالی و جنوبی‌اش اضافه شد. ورودی اصلی این مستحذد دوطبقه نسبت به کل نما، حجمی بیرون‌زده و کمی بلندتر است. همچنین درهای اصلی، چهار ستون عظیم سنگی از سرستون‌های گاو شاخ‌دار برگرفته از سرستون‌های تخت‌جمشید و کاخ شوش، از جمله اجزای چشمگیر این اثر است. این ساختمان پس از هشت دهه خدمات‌رسانی، پس از دوره‌ای تعمیر و ترمیم، در ۲۱ تیر ۱۳۹۶ بدل به موزهٔ بانک ملی ایران شد. در این بین شاید برزیتان جالب باشد بدانند برج آب بانک ملی نیز در همان مراسم افتتاح شد که توسط آلمانی‌ها و با هدف استفاده از ذخیرهٔ آب چاه‌ها برای آبیاری فضای سبز و همچنین فشار آب در لوله‌ها با ارتفاع هفت‌طبقه به شکل مستطیل احداث شده بود.



## دیدگاه |

## «عادی‌سازی» با کدام استدلال؟



فاطمه باباخانی   
 روزنامه‌نگار

«من برای اینکه سرپا بمونم و خودم رو از جایی پرت نکنم پایین مهمونی می‌رم، می‌رقصم. کار می‌کنم، پرنده‌نگری می‌کنم، می‌خندم. تزییی می‌رم که یاد بگیرم می‌تونم هم غمگین باشم هم زندگی کنم. بعد به عده اومدن می‌گن استوری از پرنده نذار عادی‌سازی نکن.» این نوشته را «مهسا» در صفحه شخصی‌اش در شبکه «اپکس» با بقیه به اشتراک گذاشته. او تنها کسی نیست که از این بابت شمات می‌شود، بسیاری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام، آپکس و... از این بابت گله کرده‌اند که بقیه در دایرکت به آنها حرف‌های تند می‌زنند. پرسش من از آنها که می‌گویند «عادی‌سازی نکنید» این است که کجای این زندگی عادی است که گذاشتن عکس پزندگان برای کسی که حوزه تخصصی کارش پزندگان است، آن را عادی‌سازی کند. مهسا در این چهارپاره زندگی‌اش به هم‌ریخته، پروژه‌هایی که انجام می‌داده همگی لغو شده‌اند، آموزش به دانش‌آموزان به واسطه تعطیلی مدارس مختل شده، ناچار شده خانه‌اش را تحویل بدهد، حالا بابت گذاشتن عکس پرنده باید شمات هم بشود. بقیه هم وضعشان بهتر از او نیست، آنها ناچارند با چالش‌های متعدد دست‌وپنجه نرم کنند و در مقابل هر روز شاهد رسیدن خبر ناگواری باشند که به دردشان اضافه می‌کند.

زندگی عادی نیست»، زندگی در این شرایطی که هر لحظه امکان وقوع جنگ دوباره وجود دارد عادی نیست، زندگی در این وضعیت که هر لحظه قیمت‌ها تغییر می‌کند عادی نیست، زندگی در شرایطی که بسیاری آرزوها و ایده‌هایشان را برای آینده از دست داده‌اند عادی نیست، زندگی وقتی با موج گسترده کارگران و کارمندان و متخصصان مختلف مواجهیم عادی نیست. زندگی در این وضعیت که هر صبح با خبر تلخی آغاز می‌شود عادی نیست. در این شرایط اگر برای نیفتادن در گرداب اندوه تلاش می‌کنیم کاری انجام دهیم در راستای عادی‌سازی نیست، شما مخالفان «عادی‌سازی» آن را به شکل راهکاری برای بقا و ادامه‌دادن زندگی ببینید و کمی به بقیه حق بدهید. این روزها بارها دوستانم در توجیه رفتارهای تند می‌گویند که برخی با دیگرانی که موافق عقایدشان نیستند، از یک کلمه استفاده می‌کنند؛ «استیصال». می‌گویند باید حق داد که افراد از سر استیصال گاهی به شکل رادیکال برخورد کنند، با این‌همه شاید لازم است به این فکر کنیم که دیگران هم ممکن است به اندازه ما مستاصل باشند؛ اما راهکاری که برای خروج از این استیصال دارند، با ما متفاوت باشد. شاید لازم است که به هم چنین سخت نگیریم و کنار هم آینده را بسازیم.

### آگهی مفقودی

کلیه مدارک ماشین خودرو وانت تک کابین پراید مدل ۱۴۰۳ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور M13/6711292 به شماره موتور ۱۴۰۱ به رنگ سفید به شماره شاسی NAS451100R4928614 شماره پلاک ۳۸ خ ۵۴۸ ایران ۹۱ به نام سید بنصر موسوی افشار مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

رویداد جنوب

### آگهی مفقودی

برگ سبز و کارت ماشین خودرو سواری - سواری دنا DENA+EF7.TCA مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور 153H0098804 به شماره شاسی: NAAW61HU9NE714025 به شماره پلاک ۲۷ ی ۷۸۵ ایران ۹۱ به نام ارسطو مهدوی راینی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

جیرفت

### آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری سمند، تپ LXXU7، به رنگ سفید روغنی، مدل ۱۴۰۰، به شماره موتور: 124K1616752 و شماره شاسی: ۸۴۵۵۵۷۷F845557 مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۳۵ - ۶۹۱ س ۶۴ به نام سید محمدحسن میر جوادزاده ایزیل به کدملی ۱۵۸۲۵۳۴۹۹۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آذربایجان شرقی